



پیشینه طبقات نگاری در میان مسلمانان^۱

○ نعمت‌الله صفری فروشانی

بدانیم، باید اولین نگارش طبقاتی را در میان متکلمین دانسته و در این قول مشهور تردید روا داریم. ولیکن از آنجا که این کتاب مفقود شده است، نمی‌توان نظر قطعی در این مورد ابراز داشت، به خصوص با توجه به آنکه این شیوه از سوی دیگر متکلمان تا چند قرن بعد مورد استفاده قرار نگرفت و در عوض محدثین از آن بهره فراوان بردند.

در قرن دوم هجری به غیر از کتاب واصل بن عطا به نام کتاب دیگری در موضوع طبقات نگاری برخورد نمی‌کنیم، اما قرن سوم هجری را باید آغاز شکوفایی طبقات نگاری مسلمانان دانست، در آغاز این قرن به چهره‌ای مانند هشتم بن عدی (۲۰۷ ق) برخورد می‌کنیم که دو کتاب «طبقات الفقهاء والمحدثین» و «طبقات من روی عن النبی (ص) من اصحابه» به او نسبت داده شده است^۲ که از هر دو اثری موجود نیست. اما از نام هر دو چنین روشن می‌شود که محور اصلی آن راویان بوده‌اند، و هرچند در کتاب اول عنوان فقها نیز آمده است اما باید توجه داشت که در دو قرن اول و دوم ارتباط تنگاتنگی میان روایت و فقه وجود داشت به گونه‌ای که مبنای بیشتر فتاوی فقها به ویژه فقهای پیرو سبک حجاز روایات بوده است. مگر آنکه با توجه به کوفی بودن هشتم بن عدی و طبیعی بودن توجه او به فقهای کوفه و رواج فقه رای در کوفه در اواخر قرن اول و تمام قرن دوم، بتوانیم بگوئیم یکی از بخش‌های اصلی این کتاب اختصاص به بررسی چنین فقهایی داشته است.

در همین زمان به نام یکی از بزرگترین مورخان قرون اولیه یعنی ابوعبدا... محمد بن عمر معروف به واقدی (۱۳۰-۲۰۷ ق) برخورد می‌کنیم که کتاب بزرگی با عنوان «کتاب الطبقات» به او منسوب شده است^۳ که این کتاب نیز مفقود شده است.

الف - طبقات نگاری اهل سنت

روزنتال بر این باور است که شیوه نگارش طبقاتی در تاریخنگاری اسلامی، شیوه‌ای اسلامی است که نمی‌توان ریشه‌های آن را در میان ایرانیان و یونانیان سراغ گرفت و هرچند شباهت‌هایی بین آن و شیوه نگارش یهودیان وجود دارد، اما می‌توان آن را شیوه‌ای کاملاً ابتکاری در میان نژاد سامی دانست که با توجه به استفاده اولیه مسلمانان از این شیوه در طبقه‌بندی اصحاب و تابعین و به منظور بررسی و نقد اسناد احادیث نبوی، اعتقاد به تأییدپذیری از شیوه یهودیان کم‌رنگ‌تر می‌شود.^۲

در این میان خاورشناس دیگری با نام مارگلیوت (۱۸۵۸-۱۹۴۰ م) ضمن بررسی تاریخنگاران و تاریخنگاری عربی به این باور می‌رسد که شیوه طبقات نگاری با توجه به وجود عنصر استمرار در آن که همان جوهر تاریخ است، راه را برای تاریخنگاری گشود. و همو شیوه طبقات نگاری را در تاریخ بر شیوه نگارش تاریخ بر طبق ترتیب زمانی مقدم می‌داند و می‌گوید: چینش طبقات رجال برحسب اسبقیت در اسلام از سوی مسلمانان یکی از علل چینش حوادث بر طبق ترتیب زمانی در تاریخ اسلام به حساب می‌آید.^۲

اما در اینجا باید به این نکته توجه داشت که ارتباط تنگاتنگ بین طبقات نگاری و علم حدیث در اولین نگارش‌های طبقاتی مسلمانان را تنها در صورتی می‌توانیم بپذیریم که طبق قول مشهور اولین کتب طبقات را در ارتباط با علم حدیث و محدثین بدانیم، اما اگر اولین نگارش طبقاتی در میان مسلمانان را کتاب «طبقات اهل العلم والجهل» واصل بن عطا (۸۰-۱۳۱ ق) دانسته^۳ و چنانچه بعضی گفته‌اند، منظور او از اهل علم را معتزله و اهل جهل را دشمنان آن‌ها

صاحب‌نظران در رشته‌های دیگر نیز از این سبک در طبقه‌بندی قهرمانان علم خود استفاده نمودند که در این میان ادیبان (به معنای عام کلمه) گوی سبقت را از دیگران ربودند و شخصیت‌هایی همچون محمدبن سلام جمحی (۱۳۹-۲۳۱ ق) با نگارش طبقات الشعراء،^{۱۵} ابن قتیبه دینوری (د ۲۷۶ ق) با نگارش الشعر والشعرا یا طبقات الشعراء،^{۱۶} ابوالعباس محمدبن یزید ثمالی معروف به مبرد (۲۱۰-۲۸۵ ق) با نگارش کتاب طبقات النحویین و البصریین و اخبارهم،^{۱۷} عبدا... بن معتز عباسی (۲۴۷-۲۹۶ ق) با نگارش طبقات الشعراء،^{۱۸} ابوحسان زیادی راوی هیشم‌بن عدی نیز با نگارش طبقات الشعراء،^{۱۹} اسماعیل‌بن ابومحمد یزیدی نیز با نگارش طبقات الشعراء،^{۲۰} ابوعلی احمدبن اسماعیل انباری کاتب عبیدا... بن عبدالله بن طاهر و محمدبن طاهر با نگارش طبقات‌الکتاب^{۲۱} نام خود را در زمره طبقات‌نگاران این قرن ثبت نمودند.

صوفیان که در این هنگام مراحل رشد خود را سپری می‌کردند، نیز طبقات‌نگاری شخصیت‌های خود را در این قرن پایه گذاشتند که از قدیم‌ترین آنها می‌توان از کتاب محمدبن علی حکیم ترمذی (د ۲۵۵ ق) یاد کرد.^{۲۲} طبقات‌نگاری درباره قاضیان نیز از همین قرن آغاز شد که از جمله آنها می‌توان از کتاب قضاة‌البصره نوشته ابوعبیده معمر بن مثنی بصری،^{۲۳} کتاب قضاة اهل مدینه نوشته ابوالحسن علی‌بن محمد مدائنی^{۲۴} و کتاب اخبار قضاة‌المصریین، نوشته ابوعمربن یوسف کندی (د ۳۰۰ ق) که درباره قاضیان مصر تا سال ۲۴۶ ق است،^{۲۵} یاد کرد که البته چنانچه ملاحظه می‌شود، همه آنها نوعی طبقات‌نگاری محلی به شمار می‌آید که آغاز آن در همین قرن بوده است و به شماری از کتب این نوع طبقات‌نگاری در بخش‌های قبلی اشاره شد. کتاب انساب الاشراف احمدبن یحیی بلاذری (د ۲۷۹ ق) از سوی بعضی به عنوان نوعی طبقات‌نگاری معرفی شده است و درباره آن چنین گفته‌اند: «تاریخی است در چهارچوب تبارشناختی به شیوه طبقات.»^{۲۶}

اما با مطالعه این کتاب نمی‌توانیم این ادعا را تأیید نمائیم، زیرا در این کتاب، نویسنده پس از رتبه‌بندی خاندان‌های مهم عرب، به ذکر شخصیت‌های سیاسی و فرهنگی هر خاندان به ترتیب زمانی پرداخته است. بدون آنکه پیوستگی خاصی را میان افراد هر خاندان لحاظ کند. و چنانچه واضح است، این رتبه‌بندی اولیه نویسنده را به هیچ‌وجه نمی‌توان نوعی طبقات‌نگاری به حساب آورد.

در میان نوشته‌های قرن سوم به نام تعدادی دیگر از کتب با عنوان طبقات برخورد می‌کنیم که با توجه به آنکه این کتب هم‌اکنون در دسترس نمی‌باشد، نمی‌توان قضاوت قطعی درباره محتوای آنها کرد، اما با توجه به رواج نگارش طبقات‌نگاری درباره اصحاب حدیث

اما شاید بتوان با مطالعه اولین کتاب طبقات‌نگاری به جا مانده یعنی کتاب‌الطبقات الکبری که نوشته شاگرد او محمدبن سعد معروف به کاتب واقدی (۱۶۸-۲۳۰ ق) است، تا حد زیادی از محتویات کتاب و سبک نگارش او آگاه شویم، به ویژه اگر نظر بدبینانه «الندیم» را بپذیریم که می‌گوید ابن‌سعد تمام کتابهای خود را از روی تصنیفات واقدی تالیف کرده و نیز درباره کتاب طبقات می‌گوید: «ابن سعد این کتاب را از روی کتابهای واقدی، کلبی، هیشم‌بن عدی و مدائنی تالیف کرده است.»^{۲۷}

از سبک طبقات‌نگاری ابن سعد در این کتاب در بخش قبل تا حدودی آگاه شدیم. آنچه تذکر آن در اینجا لازم است این است که این کتاب بعدها توسط دانشمندان طبقات‌شناسی خلاصه شد که از جمله این خلاصه‌ها می‌توانیم از «مختارالطبقات» نوشته ابن‌منظور (۶۳۰-۷۱۱ ق) و «انجاز الوعدالمنتقی من طبقات ابن‌سعد» نوشته سیوطی (د ۹۱۱ ق) نام ببریم.^{۲۸} ال‌ندیم کتاب دیگری با عنوان «الطبقات الصغیر» را در عداد تالیفات ابن سعد ذکر می‌کند که بنا به گزارش فؤاد سزگین، نسخه‌ای از این کتاب که تالیف آن قبل از «الطبقات الکبری» بوده است، در موزه آثار استانبول در ۱۳۹ برگ و با شماره ۴۳۵ موجود است.^{۲۹} خلیفه‌بن خیاط (د ۲۴۰ ق) نام آشنای دیگر طبقات‌نگاری در این قرن است که با نگارش دو کتاب «طبقات القراء»^{۳۰} و «کتاب الطبقات»^{۳۱} نام خود را در زمره اولین طبقات‌نگاران ثبت کرد که تنها کتاب الطبقات او هم‌اکنون در دسترس می‌باشد و با مطالعه آن به مشابهت‌ها و احياناً تفاوت‌هایی در سبک طبقات‌نگاری او و معاصرش ابن‌سعد برخورد می‌کنیم.^{۳۲} یکی از جالب‌ترین و مهم‌ترین وجوه تشابه این دو در طبقه‌بندی اصحاب پیامبر اکرم (ص) است که ملاک‌هایی همچون سابقه اسلام و نزدیکی به پیامبر اکرم (ص) را مورد توجه قرار می‌دهد که ریشه‌های این طبقه‌بندی را می‌توانیم، در عملکرد عمر هنگام تشکیل دیوان ببینیم که در تعیین حقوق اصحاب ملاک‌هایی همچون نسبت با پیامبر اکرم (ص)، شرکت در جنگ بدر، شرکت در حدیبیه و... مدنظر قرار داد.^{۳۳} و از این جهت شاید بتوانیم دیوان عمر را مهم‌ترین الهام‌بخش سبک طبقات‌نگاری بدانیم. از دیگر کتب طبقات‌نگاری در این قرن که شاید بتوان آن را اولین کتاب مخصوص طبقات‌نگاری راویان دانست، کتاب الطبقات ابوالحسن مسلم‌بن حجاج نیشابوری^{۳۴} (۲۰۶-۲۶۱ ق) است که تنها به ذکر نام طبقات صحابه و تابعین پرداخته و هرکدام از این دو طبقه را براساس شهرهایی که بیشترین روایت را در آنها داشته‌اند، به ترتیب به مدنیین، مکیین، کوفیین، بصریین، شامیین، مصریین و شهرهای دیگر تقسیم‌بندی کرده است.

طبقات‌نگاری در این قرن محدود به تاریخ و حدیث نگشت، بلکه

طبقات و ترتیب پیش گفته تنظیم می‌نماید.
۳- المنتقی من کتاب الطبقات نوشته ابی عربیه حسین بن محمد بن ابی معشر و حرانی (د ۳۱۸ ق).

فقط قسمت دوم این کتاب که درباره صحابه می‌باشد، باقی مانده است. یکی از ویژگی‌های این کتاب دارا بودن بابی تحت عنوان «لاخوة من الصحابة» می‌باشد که اصحابی را که با هم برادر بوده‌اند، در آن ذکر می‌کند و فایده آن هنگام اشتراک اصحاب در نام پدر ظاهر می‌شود. نویسنده در این کتاب بر نَسَب سال وفات و جدا کردن مردان از زنان تکیه ندارد.^{۲۰}

۴- طبقات المحدثین نوشته ابوالقاسم مسلمة بن قاسم اندلسی (د ۳۵۳ ق)^{۲۱}

۵- کتاب الثقات نوشته ابوحاتم بن حبان بُستی (د ۳۵۴ ق)

۶- مشاهیر علماء الامصار نوشته بُستی فوق‌الذکر، نویسنده در این کتاب به ذکر شرح حال ۱۶۰۲ محدث موثوق و نه ضعیف و مجروح در سه طبقه صحابه، تابعین، اتباع التابعین و بر اساس شهرهای مختلف مملکت اسلامی می‌پردازد، بدین ترتیب که در بخش صحابه همه شهرهای اسلامی را به شش صُقع (ناحیه) تقسیم می‌نماید و در صُقع اول صحابه مکه و مدینه و در صُقع دوم کوفه و بصره و در صُقع سوم شام و اطراف آن و در صُقع چهارم مصر و اطراف آن و در صُقع پنجم یمن و بالآخره در صُقع ششم صحابه خراسان را بررسی می‌کند. و در دو طبقه تابعین و اتباع نیز همین ترتیب را رعایت می‌کند با این تفاوت که در طبقه سوم پس از کوفه به سراغ اتباع بغداد و واسطه می‌رود.^{۲۲} این نکته لازم به تذکر است که ابن حبان در درون هر طبقه، هیچ ترتیبی (نه الفبایی و نه سالشماری) را رعایت نمی‌نماید.

۷- الطبقات نوشته ابوعمر محمد بن عباس خزاز^{۲۳}

همچنین در این قرن به اولین کتاب طبقات‌نگاری ویژه یکی از مذاهب فقهی اهل سنت یعنی کتاب «طبقات اصحاب الامام احمد» نوشته ابوبکر احمد بن محمد بن هارون بغدادی (د ۳۱۱ ق) برخورد می‌کنیم که خود اصحاب احمد حنبل را درک کرده بود.^{۲۴}

در زمینه طبقات‌نگاری صوفیه در این قرن می‌توان از کتاب طبقات النساک نوشته احمد بن محمد بن سعید اعرابی (۳۴۶-۳۴۱ ق) و تاریخ الصوفیه اثر محمد بن داود نیشابوری (د ۳۴۲ ق) یاد کرد.^{۲۵} کتاب طبقات الشعراء الجاهلیین نوشته ابوخلیفه بصری (د ۳۰۵ ق) راوی ابن سلام^{۲۶} و کتاب طبقات النحویین و اللغویین نوشته ابوبکر بن حسن زبیدی (د ۳۷۹ ق) دو تألیف در زمینه طبقات‌نگاری در علوم ادبی در این قرن است که در کتاب اخیر نویسنده، زندگینامه‌های شخصیت‌های نحوی و لغوی را به صورت جداگانه از زمان ابوالاسود دولتی تا زمان الرباحی (د ۳۵۸ ق) استاد نویسنده، جمع‌آوری کرده است.^{۲۷}

از نکات جالب توجه در این قرن، سرایت طبقات‌نگاری از علوم اسلامی به علوم دیگر همانند طب و فلسفه می‌باشد که اولین کتاب نگارش یافته در این زمینه کتاب طبقات الاطباء و الحكماء تألیف سلیمان بن حسان اندلسی معروف ابن جلیجل (د بعد از ۳۸۴ ق) است که

در این قرن و نیز با لحاظ شخصیت نویسندگان این کتب که غالباً از میان محدثین می‌باشند، می‌توان محتوای آنها را با احتمال قریب به یقین درباره طبقات اصحاب حدیث دانست، تعدادی از این کتب از قرار زیر است:

کتاب الطبقات نوشته علی بن مدینی (د ۲۳۳ ق)،

کتاب تاریخ فی طبقات اهل العلم و من نسب منهم الی... نوشته سلیمان بن داود شاذکونی (د ۲۳۴ ق)،

کتاب الطبقات نوشته ابراهیم بن منذر (د ۲۳۶ ق)،

کتاب الطبقات نوشته عبدالرحمن بن ابراهیم بن عمرو دمشقی ملقب به دحیم (د ۲۴۵ ق)

کتاب الطبقات نوشته ابوالقاسم محمود بن ابراهیم بن سمیع دمشقی (د ۲۵۹ ق)،

کتاب الطبقات نوشته ابوبکر محمد بن عبدالله بن عبدالرحیم برقی (د ۲۷۰ ق)،

طبقات التابعین، نوشته ابوحاتم محمد بن ادريس رازی (د ۲۷۷ ق)،

کتاب الطبقات نوشته عبدالرحمن بن عمرو نصری معروف به ابی زُرعة دمشقی (د ۲۸۱ ق)^{۲۸}

با بررسی نام کتب طبقات‌نگاری قرن چهارم که به ما رسیده است، به این نتیجه می‌رسیم که طبقات‌نگاری در این قرن پس از اوجی که در قرن سوم گرفته بود، رو به سرانجام می‌رود. زیرا تعداد کتب طبقات‌نگاری این قرن نسبت به قرن سوم نه تنها رشد کمی و کیفی را نشان نمی‌دهد، بلکه از هر دو جهت، در نقصان به سر می‌برد. از کتب طبقات‌نگاری این قرن در طبقه‌بندی محدثین می‌توانیم از کتابهای زیر نام ببریم:

۱- طبقات الاسماء المفردة من الصحابة و التابعین و اصحاب الحدیث نوشته ابوبکر احمد بن هارون بن روح بردیجی (۲۳۰-۳۰۱ ق) نویسنده در این کتاب تنها به ذکر شرح حال مختصر محدثینی می‌پردازد که دارای نامی انحصاری بوده‌اند یعنی نامی که نه در آن طبقه و نه در طبقات دیگر دارای مشابهی نمی‌باشد و بدین ترتیب نام ۴۲۵ نفر را در پنج طبقه صحابه، تابعین و سه طبقه دیگر پس از تابعین ذکر کرده است.^{۲۹}

۲- ذیل المذیل من تاریخ الصحابة و التابعین نوشته محمد بن جریر طبری (د ۳۱۰ ق)^{۳۰}

در این کتاب، نویسنده در آغاز به طبقه صحابه می‌پردازد و آنها را بر اساس سال وفات ترتیب‌بندی کرده و در هر مورد شخصیت‌های بنی‌هاشم و موالی و هم‌پیمانان آنها را بر سایرین مقدم داشته و پس از آن به ذکر سایر قبایل عدنانی پرداخته و بعد از آن به سراغ قحطانی‌ها می‌رود. و همین ترتیب را در مورد تابعین و طبقات بعدی نیز به کار می‌برد. و در هر طبقه پس از برشمردن مردان آن طبقه به سراغ زنان رفته و آنها را نیز برحسب سال وفات و با ترتیب‌بندی زنان بنی‌هاشم، زنان مهاجر، زنان انصار در طبقه صحابه و مقدم داشتن زنان بنی‌هاشم بر زنان سایر قبایل در طبقات دیگر به کار خود ادامه می‌دهد. پس از آن به سراغ مردان و زنانی می‌رود که با کتبه خود معروف شده‌اند و آنها را نیز بر اساس

کاری که در قرن چهارم به وسیله نگارش کتاب طبقات اصحاب الامام احمد پایه‌گذاری شده بود، یعنی جداسازی طبقات فقهاء از طبقات محدثان، در این قرن شدت بیشتری به خود گرفت به گونه‌ای که شاید بتوان نقطه عطف طبقات‌نگاری محدثان را در این قرن دانست.

به نظر می‌رسد یکی از علل این جدایی و رشد طبقات‌نگاری در مذاهب خاصی، پدید آمدن پدیده تمذهب در میان اهل سنت از قرن چهارم به بعد و جا افتادن آن در قرون بعد می‌باشد. در این قرن اولین کتاب طبقات الشافعیه توسط ابوعاصم محمدبن احمد عبادی (د ۴۵۸ ق) نگاشته شد.^{۳۳}

حسن بن احمد بغدادی حنبلی معروف به ابن بنا (د ۴۷۱ ق) کتابی با عنوان طبقات الفقهاء نگاشت.^{۳۴}

و بالاخره ابواسحاق شیرازی (۳۹۲-۴۷۶ ق) کتاب طبقات الفقهاء را عرضه کرد.

ابواسحاق با آنکه خود شافعی مذهب بود، اما کتاب خود را اختصاص به فقهای شافعی نداد و فقهای مذاهب دیگر و حتی مذهبی کم‌دامنه همانند مذهب داود (ظاهری) را در کتاب خود آورد.

او کتاب خود را با ذکر شرح حال مختصر تنی چند از فقهای مشهور طبقه صحابه همانند ابوبکر، عمر، عثمان، علی (ع)، عبدالله بن مسعود و... آغاز می‌کند و به شرح حال و فضایل و مناقب آنها می‌پردازد.

و سپس وارد طبقه فقهای تابعین شده و آنها را براساس شهر محل سکونت تنظیم می‌نماید که به ترتیب به ذکر فقهای مدینه، مکه، یمن، شام و جزیره مصر، کوفه، بصره می‌پردازد.

در اینجا این نکته لازم به تذکر است که گرچه عنوان باب در هر یک از شهرهای فوق، فقهای تابعین است، اما ابواسحاق به ذکر فقهای پس از تابعین نیز می‌پردازد، چنانچه به عنوان مثال مالک بن انس (۹۵-۱۷۹ ق) را در فقهای تابعین مدینه^{۳۵} و ابوحنیفه (۸۰-۱۵۰ ق) را در ذیل فقهای تابعین کوفه ذکر می‌نماید.^{۳۶}

پس از آن به سراغ فقهای بغداد و خراسان می‌رود و به شرح حال تنی چند از فقهای این دو ناحیه می‌پردازد و پس از ذکر شرح حال ابن راهویه (۱۶۱-۲۳۸ ق) به این باور می‌رسد که پس از آن فقه در همه کشورهای اسلامی در پنج مذهب شافعی، حنفی، مالکی، حنبلی و ظاهری منحصر شد^{۳۷} و آنگاه به ذکر فقهای مذاهب پنجگانه با ترتیب پیش گفته تا زمان خود می‌پردازد.

در این قرن همچنین شاهد رشد طبقات‌نگاری قاریان می‌باشیم که بعد از کتاب طبقات القراء خلیفه بن خیاط (د ۲۴۰ ق)^{۳۸} شاهد کتاب دیگری در این زمینه نبوده‌ایم و این احتمالاً ناشی از رشد علم قرائت در این قرن می‌باشد.

دو کتاب مهم در این قرن یکی کتاب طبقات القراء نوشته احمدبن فضل باطرقانی اصفهانی (د ۴۲۱ ق)^{۳۹} و دیگری طبقات القراء تألیف ابوعمر و عنان بن سعید (۳۷۱-۴۴۴ ق)^{۴۰} می‌باشد.

طبقات‌نگاری صوفیان نیز در این قرن در وضع مطلوبی قرار داشت. ابوعبدالرحمن محمدبن حسین سلمی (۳۲۵-۴۱۲ ق) با نگاشتن کتاب

در سال ۳۷۷ ق به نگارش درآمده است و در آن نویسنده پزشکان و حکما را از آغاز تا پایان سده سوم در نه گروه از قرار زیر طبقه‌بندی می‌کند:

گروه اول سرآمنان و پیشروان حکمت پزشکی، گروه دوم استادان پزشکی در روم و یونان، گروه سوم حکما و پزشکان یونان پس از دوره تسلط پارس، گروه چهارم، حکما و پزشکان یونان پس از بنیاد شهر روم، گروه پنجم حکما و پزشکان اسکندریه، گروه ششم حکما و فلاسفه‌ای که از نژاد روم، سریان و پارس نبوده‌اند

گروه هفتم حکمای عصر تمدن اسلامی از مسلمانان و مسیحیان

گروه هشتم حکما و پزشکان مغرب

و گروه نهم حکما و پزشکان اندلس.^{۴۱}

چنانچه ملاحظه می‌شود در این کتاب طبقات‌نگاری موردنظر نویسنده همان گروه‌های بزرگ نه‌گانه می‌باشد و با طبقات‌نگاری موردنظر محدثین که در آن توجه به روابط شاگردی و استادی در هر طبقه می‌شود، تفاوت دارد.

این حرکت ابن جلیجل مورد استقبال جامعه پزشکی سده‌های نخستین قرار نگرفت و تنها سه قرن بعد یعنی در قرن هفتم به وسیله موفق‌الدین احمدبن قاسم بن خلیفه معروف به ابن ابی اصیبه (۶۰۰-۶۶۸ ق) با نگارش کتاب «عیون الانباء فی طبقات الاطباء» پی‌گیری شد که او در کتاب خود به شرح حال ۴۰۰ پزشک مشهور از آغاز تاریخ تا زمان خود با ذکر بعضی از نظریات پزشکی آنها در ۱۵ باب برحسب ملیت‌های مختلف همچون یونانی، ایرانی، هندی، مغربی، مصری، شامی، سریانی، عراقی و... می‌پردازد.^{۴۲}

البته این حرکت در دنیای اسلام ابتر نماند و در قرن چهاردهم به وسیله دکتر احمد عیسی بک با نگارش کتاب «معجم الاطباء من سنة ۶۵۰ الی یومنا هذا» تکمیل شد و برای اولین بار در سال ۱۳۶۰ ق به چاپ رسید. البته این کتاب به ترتیب القبایی و نه طبقاتی تنظیم شده است. در این قرن همچنین برای اولین بار پس از کتاب واصل بن عطاء کتابی دیگر در طبقات‌نگاری متکلمین با عنوان «طبقات المتکلمین» برخوردار می‌کنیم که به وسیله ابوعبدالله محمدبن عمران بن موسی مرزبانی (د ۳۸۴ ق) به نگارش درآمده است.^{۴۳}

در قرن پنجم بار دیگر شاهد شکوفایی طبقات‌نگاری در رشته‌های مختلف می‌باشیم، در این قرن اوین کار طبقات‌نگاری در زمینه طبقات‌نگاری محدثان را می‌توانیم در کتاب «تاریخ نیشابور» حاکم نیشابوری (د ۴۰۴ ق) مشاهده نماییم که راویان نیشابور را در آغاز در سه طبقه صحابه، تابعین و اتباع التابعین بررسی کرده و سپس به ذکر طبقه‌ای با عنوان اتباع می‌پردازد و آنها را شخصیت‌های روایی در قرن چهارم بعد از نبوت و قرن سوم بعد از صحابه معرفی می‌کند.^{۴۴}

پس از آن به کتاب طبقات الرجال نوشته ابوالفضل علی بن حسین فلکی (د ۴۲۹ ق) برخورد می‌کنیم.^{۴۵}

از دیگر کتابهای نگارش یافته در این زمینه در این قرن می‌توانیم از کتاب طبقات المحدثین تألیف ابوالقاسم عبدالرحمن بن منده (د ۴۷۰ ق)^{۴۶} نام برد.

ربطی به طبقات‌نگاری مورد بحث ما ندارد، اما شاید بتوان کاربرد عنوان طبقات در نامگذاری این کتاب را نشانه‌ای از شیوع طبقات‌نگاری در این قرن دانست. در قرن ششم نگارش طبقات‌نگاری فقها گسترش یافت که از مهم‌ترین کتب این رشته می‌توانیم از نوشته‌های زیر یاد کنیم:

- ۱ - طبقات الفقهاء نوشته ابو عبدالله محمد بن عبدالملک بن ابراهیم همدانی (د ۵۲۱ ق)^{۳۷}
- ۲ - طبقات الحنابلة، نوشته قاضی ابی یعلی محمد بن محمد الفراء حنبلی (۴۵۱-۵۲۶ ق).

این کتاب به عنوان مهم‌ترین نوشتار در طبقات‌نگاری حنابله معرفی شده است.^{۳۸} و چنانچه خواهیم دید بعضی از طبقات‌نگاران حنبلی همانند ابن رجب (۷۳۶-۷۹۵ ق) بر آن ذیل نوشته‌اند.

در این کتاب نویسنده فقهای حنبلی را از اصحاب بدون واسطه امام احمد حنبل تا اصحاب پدرش ابویعلی (متولد ۳۸۰ ق) و تا سال ۵۱۲ ق در شش طبقه تقسیم‌بندی می‌کند و شخصیت‌های هر طبقه را با رعایت ترتیب الفبا مطرح می‌نماید و علاوه بر شرح حال آنها به پاره‌ای از عقایدشان نیز اشاره می‌نماید.^{۳۹}

۳ - ترتیب المدارک و تقریب المسالك لمعرفة اعلام مذهب مالک، نوشته قاضی عیاض (د ۵۴۴ ق) این کتاب اولین و مهم‌ترین تألیف در طبقات‌نگاری فقهای مالکی مذهب می‌باشد که نویسنده به شرح حال ۱۵۰۰ نفر از فقهای مالکی بر اساس طبقات‌نگاری (نه الفبایی) در ده طبقه با شروع از اصحاب مالک، و جدا کردن شهرهای مختلف پرداخته است.^{۴۰}

از کتب نگاشته شده در طبقات‌نگاری ادبیات در این قرن می‌توان از کتاب نزهة الالباء فی طبقات الادباء تألیف ابوالبرکات عبدالرحمن بن محمد بن ابی سعید انباری نحوی (د ۵۷۷ ق) یاد کرد که به شرح حال نحویان از حضرت علی (ع) تا استاد خود ابوالسعادات ابن الشجری (د ۵۴۲ ق) با رعایت زمان وفات و بدون طبقه‌بندی مشخص می‌پردازد. او در این کتاب از کتب پیشینیان خود همانند «خبار النحویین البصریین» سیرافی بهره فراوان می‌برد.^{۴۱} نوشته دیگر در این زمینه کتاب «طبقات النحاة» تألیف صفی‌الدین احمد بن علی بن ابی بکر عرشانی یمنی (د ۵۹۰ ق) می‌باشد.^{۴۲}

کتاب «صفوة الصفوة» تألیف ابن جوزی (د ۵۹۷ ق) مهم‌ترین کتاب طبقات‌نگاری صوفیان در این قرن است.

درباره این کتاب چنین گفته شده است که:

«این کتاب در واقع تهذیب، تصحیح و تلخیصی از کتاب «حلیه» ابی نعیم شمرده می‌شود. نویسنده در تنظیم کتاب روش طبقه‌بندی ناحیه‌ای را پیش گرفت و با شهر مدینه آغاز کرد و سپس به مکه، بغداد و... رسید. هر شهری را که نام برده طبقات عابدان و زاهدان آن ناحیه را نیز ذکر کرده است، شماره زندگینامه‌های آن به بیش از هزار زندگینامه می‌رسد، در حالی که کتاب طبقات سلمی مشتمل بر صد و سه زندگینامه می‌شود.»^{۴۳}

و بالاخره در پایان این قرن به کتاب «طبقات علماء الحدیث»

طبقات الصوفیه نام خود را در طبقات‌نگاران این قرن ثبت نمود، سلمی در این کتاب صوفیان را به پنج طبقه تقسیم می‌کند، طبقه نخست با شرح حال فضیل بن عیاض، طبقه دوم باجنید، سومین با ابومحمد جریری، چهارمین طبقه با ابی بکر شبلی و آخرین طبقه با ابوسعیدین الاعرابی آغاز شده است.^{۴۴} احمد بن عبدالله معروف به ابونعیم اصفهانی (۳۳۶-۴۳۰ ق) دومین طبقات‌نگار صوفیان در این قرن است که با نگارش کتاب «حلیة الاولیاء و طبقات الاصفیاء» شرح حال حدود ۸۰۰ تن از زهاد و نساک مسلمان پرداخت.

او در این کتاب در آغاز به شرح حال ابوبکر و سپس بقیة عشرة مبشره می‌پردازد، پس از آن به زاهدان صحابه بزرگ پرداخته و آنگاه به سراغ اهل صفة می‌رود. پس از فراغت از طبقه صحابه، طبقه تابعین و طبقات بعدی را تا عصر خود مطرح می‌کند.

او در این کتاب طبقات را شماره‌گذاری نمی‌کند و در ذیل هر طبقه ترتیب تاریخی را رعایت نمی‌نماید بلکه در هر طبقه ابتدا شرح حال مشهورین آن طبقه را بیان کرده و سپس به ترتیب الفبایی پیش می‌رود.^{۴۵} طبقات‌نگار دیگر این قرن ابوالقاسم عبدالکریم قشیری (۳۸۶-۴۶۵ ق)

است که کتاب معروف خود «الرسالة القشیریة» را در شرح حال برخی از صوفیان و با الهام از شیوة استاد خود سلمی در ترتیب طبقات نگاشت.^{۴۶} همچنین سلمی در نگارش کتاب «طبقات الصوفیه» خواجه عبدالله انصاری هروی (ربع چهارم قرن پنجم هجری) تأثیر فراوانی گذاشت، گرچه مؤلف خود در تعداد شخصیت‌ها و نیز شیوة طبقات‌نگاری ابتکاراتی به خرج داد.

در مجموع مؤلف در این کتاب به شرح حال ۳۳۱ تن از مشایخ صوفیه از ابوهاشم صوفی (معاصر سفیان ثوری متوفی ۱۶۱ ق) تا ابوعلی دقاق پدرزن قشیری (د ۴۰۵ ق) در پنج طبقه می‌پردازد، و عمدتاً به نقل اقوال یا کرامات آنها بسنده می‌کند.

تعداد شخصیت‌های ذکر شده در این کتاب در مجموع حدود سه برابر کتاب سلمی است.^{۴۷} متکلمان معتزلی مذهب که تنها متکلمان طبقات‌نگار می‌باشند، نیز در این قرن با نگارش کتاب در فرق و طبقات المعتزله، توسط ابوالحسن عبدالجبار بن احمد همدانی اسدآبادی معروف به قاضی عبدالجبار (د ۴۱۵ ق) نام خود را در طبقات‌نگاران این قرن ثبت می‌نمایند.

قاضی عبدالجبار در این کتاب متکلمان قبل از خود را به ده طبقه تقسیم می‌کند که در رأس طبقه اول خلفای چهارگانه قرار داده و سپس به شرح حال بعضی از مشهورین صحابه می‌پردازد و در رأس طبقه دوم امام حسن (ع) و امام حسین (ع) را قرار می‌دهد.

او در هر طبقه به ذکر مشهورین آن طبقه پرداخته و بعضی از آرای کلامی آنها را نیز می‌آورد.

پس از قاضی عبدالجبار صاحب کتاب «المنیة والامل» قاضی را در طبقه یازدهم قرار می‌دهد.^{۴۸}

قاضی صاعد اندلسی (۴۲۰-۴۶۲) کتاب خود با عنوان «التعریف بطبقات الامم» را نیز در این قرن نگاشت که گرچه چنانکه قبلاً گفتیم

حوادث سیاسی هر سال، به شخصیت‌های درگذشته در آن سال نیز اشاره می‌کند و در پایان هر ۱۰ سال بابی جداگانه منعقد نموده و ضمن طبقه‌بندی به شرح حال شخصیت‌های علمی و فرهنگی آن طبقه می‌پردازد که در این راستا ابتدای سال یازدهم را طبقه اول و آخرین طبقه را که از سال ۶۳۱ تا ۶۴۰ ق. می‌باشد، طبقه شصت و چهارم به شمار می‌آورد.

دومین کتاب عظیم ذهبی در شیوه طبقه‌نگاری کتاب «سیر اعلام النبلاء» است که ذهبی در این کتاب برخلاف کتاب قبلی هر طبقه را بیست سال حساب کرده و طی ۳۵ طبقه به شرح حال شخصیت‌های علمی، فرهنگی و سیاسی (اعم از خلفاء، وزراء، کاتبان و...) می‌پردازد و در هر طبقه برطبق حروف الفبا پیش می‌رود.

در این کتاب، ذهبی طبقات را از تابعین شماره‌گذاری می‌کند و در جلد اول و دوم و قسمتی از جلد سوم به شرح حال پیامبر اکرم (ص) و خلفا و صحابه می‌پردازد و آنها را جزو طبقات محسوب نمی‌نماید. و طبقه آخر را شیوخ و معاصران خود می‌داند.^{۳۰}

این دو کتاب ذهبی را باید طبقات‌نگاری عمومی بنامیم. اما ذهبی به این دو تألیف بسنده نکرد و از درون این دو شخصیت‌های بعضی رشته‌های علوم اسلامی را بیرون کشید و به بیان زندگی آنها به شیوه طبقات‌نگاری پرداخت. از جمله این کتب تخصصی، کتاب تذکرة الحفاظ^{۳۱} اوست که به ذکر طبقات حافظان حدیث صحابه و تابعین و طبقات بعدی تا زمان خود در طی ۲۱ طبقه می‌پردازد.

این کتاب به زودی ذیل‌های متعددی را از سوی حدیث‌شناسان به دنبال خود دید که از آن جمله می‌توان از کتاب «ذیل تذکرة الحفاظ للذهبی» نوشته ابوالمحاسن حسینی دمشقی (۷۱۵-۷۶۵ ق) شاگرد ذهبی یاد کرد که از طبقه ۲۲ تا طبقه ۲۴ را به کتاب استاد خود اضافه کرد و ذهبی را در صدر طبقه بیست و چهارم قرار داد. ذیل دوم در قرن نهم با عنوان لحظ‌الاحاط بذیل طبقات الحفاظ توسط حافظ تقی‌الدین محمدبن فهد مکی (۷۸۷-۸۷۱ ق) نگاشته شد که بخش اعظم کتاب خود را به ذکر حفاظی پرداخت که توسط ذهبی و حسینی دمشقی ذکر نشده بودند که این قسمت را بر طبق سال وفات و بدون شماره‌بندی طبقه‌ها می‌آورد. و در قسمت بعدی به شرح حال حفاظ از طبقه بیست و دوم تا طبقه بیست و پنجم می‌پردازد.

ذیل سوم از دانشمند قرن نهم و دهم یعنی جلال‌الدین سیوطی (۸۴۹-۹۱۱ ق) می‌باشد که ضمن گزینش مطالب ذهبی، به ادامه ذکر حفاظ پس از او می‌پردازد و در نهایت تعداد ۱۱۸۸ نفر از آنها را از زمان صحابه تا زمان ابن حجر عسقلانی (د ۸۵۳ ق) با شرح حال بسیار مختصر که در بعضی از مواقع تنها به ذکر نام و نسب بسنده می‌شود، مطرح می‌نماید.

در این کتاب حافظان در درون هر طبقه بدون هیچ ترتیب‌بندی مشخصی ذکر شده‌اند.^{۳۲}

کتاب دیگر ذهبی که درباره طبقات‌نگاری محدثان می‌باشد، کتاب «المعین فی طبقات المحدثین» می‌باشد که به عنوان راهنمایی برای پیدا

جماعیلی مقدسی (۵۴۱-۶۰۰ ق) صاحب کتاب الکمال برخوردار می‌کنیم^{۳۳} که بار دیگر جدایی طبقات‌نگاری محدثان از فقها را یادآور می‌شود. قرن هفتم به علت حمله مغول یا هر علت دیگری شاهد افول طبقات‌نگاری می‌باشد. در این قرن به دو کتاب درباره طبقات الفقهاء برخورد می‌کنیم که اولین آنها از آن شهرزوری معروف به ابن صلاح (۵۷۷-۶۴۲ ق) می‌باشد که به «طبقات الفقهاء الشافعیة» نامگذاری شده است.

این کتاب توسط دانشمند دیگر قرن یعنی محیی‌الدین ابوزکریا یحیی‌بن شرف نوری (۶۲۱-۶۷۶ ق) تهذیب شده و همراه با ترتیب‌بندی جدید و آوردن استدرکات عرضه گشت و سپس دانشمند رجالی قرن هشتم، ابوالحجاج یوسف‌بن عبدالرحمن مزی (۶۵۴-۷۴۲ ق) صاحب تهذیب الکمال آن را تنقیح کرد.^{۳۴}

و دومین کتاب، طبقات الفقهاء نوشته علی بن انجب ساعی بغدادی (۶۷۴ ق) می‌باشد.^{۳۵}

در این قرن، در علوم ادبی شاهد کتاب «طبقات النحاة» نوشته موفق‌الدین حمزه‌بن یوسف تنوخی حموی (د ۶۷۰ ق) می‌باشیم.^{۳۶} در این قرن همچنین در طبقات‌نگاری پزشکان شاهد کتاب عیون الانبیاء فی طبقات الاطباء نوشته ابن ابی‌اصیبه (۶۰۰-۶۶۸ ق) هستیم که قبلاً توضیح آن داده شد.

در اینجا نکته‌ای را لازم به ذکر می‌دانیم و آن این که در بعضی از نوشته‌ها کتاب «اسدالغابه فی معرفة الصحابة» تألیف مورخ معروف این قرن یعنی ابن اثیر جزیری (د ۶۳۰ ق) از کتب طبقات‌نگاری شمرده شده است و به همین ترتیب کتابهای «الاستیعاب فی معرفة الاصحاب» قرطبی (د ۴۶۳ ق) و «الاصابة فی تمییز الصحابة» ابن حجر عسقلانی (د ۸۵۲ ق) را از کتب طبقات‌نگاری به حساب آورده‌اند.^{۳۷}

اما باید توجه داشت که طبق تعریفی که در بخش‌های قبلی از طبقه و طبقات‌نگاری ارائه دادیم، آنچه در طبقات‌نگاری دارای اهمیت است ملاحظه روابط استادی و شاگردی بین طبقات مختلف می‌باشد که لازمه آن وجود حداقل دو طبقه می‌باشد و لذا کتبی را که تنها به ذکر شخصیت‌های یک طبقه می‌پردازد، از عداد کتب طبقات‌نگاری خارج می‌دانیم. همچنان که در طبقات‌نگاری شیعی نیز به کتبی همچون تسمیة من شهد مع امیرالمؤمنین (ع) نوشته عبیدالله بن ابی رافع کاتب حضرت علی (ع) و کتاب من شهد صفین مع علی من الصحابة، نوشته هشام‌بن محمدالسائب (د ۲۰۶ ق) به عنوان کتب طبقات‌نگاری نمی‌نگریم، هرچند در بعضی از نوشته‌های شیعی به عنوان کتب طبقات‌نگاری مطرح شده است.^{۳۸}

قرن هشتم شاهد اوج‌گیری اعجاب‌انگیز کتب طبقات‌نگاری در علوم مختلف می‌باشد و همین قرن است که قهرمان طبقات‌نگاری در سرتاسر تاریخ اسلام یعنی شمس‌الدین ذهبی (۶۷۳-۷۴۸ ق) را در خود می‌پرورد. ذهبی طبقات‌نگاری را با مجموعه عظیم تاریخ اسلام خود یعنی کتاب «تاریخ الاسلام و وفیات المشاهیر و الاعلام» آغاز کرد.

او در این کتاب که به ترتیب سالشماری تنظیم شده است، ذیل

۷۰۰ ق. در ده طبقه اختصاص دارد.^{۴۶} در این قرن حنفیان طبقات‌نگاری خود را با نگاشتن «الجواهر المضیئة فی طبقات الحنفیة» توسط عبدالقادر بن محمد بن ابی‌الوفاء القرشی (۶۹۶-۷۷۵ ق) آغاز کردند.

نویسنده در این کتاب به جای استفاده از روش طبقات‌نگاری معمول از روش الفبایی استفاده کرده است و شرح حال فقهای حنفی را از زمان ابوحنیفه تا زمان خود به ترتیب حروف الفبا در سه جلد عرضه نموده است که هر مورد حاوی اطلاعاتی همچون شغل، تاریخ تولد و وفات، شاگردان و اساتید می‌باشد.^{۴۷}

در همین قرن، ابن رجب حنبلی (۷۳۶-۷۹۵ ق) یکی از مهم‌ترین کتب طبقات‌نگاری حنفیان را با نگاشتن ذیلی بر طبقات ابویعلی الفراء (۴۵۱-۵۲۶ ق) با عنوان «کتاب الذیل علی طبقات الحنابلہ» پدید آورد.

در این کتاب ابی رجب در ادامه کار فراء، به شرح حال فقهای حنبلی و ذکر اطلاعاتی همچون اساتید، شاگردان، تألیفات، تولد و وفات و شغل‌های آنها از سال ۴۶۰ تا ۷۵۱ ق. به شیوهٔ صدسالانه می‌پردازد با این توضیح که متوفیان نیمه دوم قرن پنجم از سال ۴۶۰ تا ۵۰۰ ق. را تحت عنوان «وفیات المائة الخامسة» و متوفیان سال ۷۰۱ تا ۷۵۱ ق. را تحت عنوان «وفیات المائة الثامنة» می‌آورد و در هر قرن ترتیب سال وفات را رعایت می‌کند.^{۴۸}

در قرن نهم هجری، علاوه بر رشد کمی کتب طبقات‌نگاری، شاهد تنوع فراوان علوم طبقات‌نگاری شده نیز می‌باشیم.

در ابتدای این قرن به یکی از مهم‌ترین کتب طبقات‌نگاری مذهب شافعی یعنی «التقد المذهب فی طبقات حملة المذهب» برخورد می‌کنیم که توسط «ابن ملقن» (د ۸۰۴ ق) نگاشته شد.^{۴۹}

«ابن ملقن» در آغاز کتاب خود از بعضی از طبقات‌نگاران مذهب شافعی پیش از خود همانند ابوحفص مطوعی، قاضی ابوالطیب طبری، عبادی، ابواسحاق شیرازی، ابومحمد جرجانی، قاضی عبدالوهاب شیرازی، بیهقی (ابن فنق)، ابوالنجیب سهروردی، ابن صلاح اسماعیل بن ابی البرکات معروف به ابن باطیش نام می‌برد که کتب بعضی از آنها هم اکنون در دسترس نمی‌باشد.

همچنین در این مقدمه به بیان سبک طبقات‌نگاری خود پرداخته و می‌گوید:

«طبقات شافعیه را در سه طبقه بررسی می‌کنم. طبقه اول: بزرگان اصحاب شافعی و نزدیکان به آنها، که آنها را در ۳۴ طبقه براساس حروف الفبا تنظیم می‌نمایم.

طبقه دوم: گروهی که پس از گروه اول (در علم و فضل) قرار دارند که آنها را در ۳۶ طبقه طبق حروف الفبا بررسی می‌کنم و طبقه سوم: گروه‌هایی از متاخران هستند که با آنها معاصر بوده‌ام و از بعضی از آنها بهره علمی برده‌ام.»^{۵۰}

و بدین ترتیب در مجموع به شرح حال علمی ۱۶۸۱ نفر از بزرگان مذهب شافعی می‌پردازد.^{۵۱}

و در این قرن بود که نگارش دربارهٔ طبقات محدثان به وسیله

کردن نام محدثان در طبقات مختلف (البته بدون ذکر شماره طبقه) نگاشته شده و تنها حاوی اطلاعات شناسنامه‌ای آنها همچون نام و نام پدر می‌باشد. این کتاب از صحابه آغاز شده و تا محدثان سال ۷۲۰ ق. پیش می‌رود.^{۵۲}

ذهبی در طبقات‌نگاری تخصصی به محدثان اکتفا نکرده و به طبقات‌نگاری قاریان نیز پرداخت که محصول این عمل کتابی با عنوان «معرفة القراء الکبار علی الطبقات و الاعصار» می‌باشد. که قاریان قرآن را از صحابه تا قرن ششم یعنی سال ۵۳۹ ق. در ۱۲ طبقه جای می‌دهد و در طبقه اول افرادی همچون علی (ع)، عثمان، ابی بن کعبه عبدالله بن مسعود و زید بن ثابت را که به گفتهٔ او قرآن را بر پیامبر (ص) خوانده‌اند قرار داده و در طبقه دوم از کسانی همچون ابوهریره، عبدالله بن عباس و عبدالله بن سائب نام می‌برد که قرآن را بر شخصیت‌های طبقه اول خوانده‌اند و همینطور این پیوستگی را ادامه می‌دهد.^{۵۳} در این قرن شاهد نگارش کتبی دیگر در طبقات‌نگاری محدثان نیز می‌باشیم که از جمله آنها می‌توان از کتاب «طبقات علما الحدیث» یاد کرد که به وسیله ابوعبدالله محمد بن احمد بن عبدالهادی دمشقی صالی (د ۷۴۴ ق) نگاشته شد و در آن به شرح حال ۳۵۰ نفر از محدثان از صحابه تا سال ۲۰۵ ق. پرداخت بدون آن که آنها را در طبقه‌های مشخصی جای دهد.^{۵۴}

کتاب «السلوک فی طبقات العلماء و الملوک» نوشته سکسکی کندی (د ۷۲۲ ق) یکی از کتبی است که در طبقات‌نگاری عمومی در این قرن نگاشته شد که به بیان شرح حال خلفا تا متوکل عباسی و به ذکر شرح حال دانشمندان و به خصوص فقها تا قرن ششم می‌پردازد.^{۵۵} طبقات‌نگاری فقهای مذاهب نیز در این قرن نشاط خاص خود را داشت و در این میدان شافعیان که در طول تاریخ بیشترین کتب طبقات‌نگاری را به خود اختصاص داده‌اند، گوی سبقت را نیز در این قرن از همگان خود ربودند و مهم‌ترین کتابهای طبقات‌نگاری خود را پدیدآوردند که از جمله آنها می‌توانیم کتاب طبقات الشافعیه تألیف نجم‌الدین محمد بن ابی‌بکر مرجانی مکی شافعی (د ۷۳۲ ق) را نام ببریم.^{۵۶}

همچنین عبدالوهاب بن علی معروف به تاج‌الدین سبکی (۷۲۷-۷۷۱ ق) کتاب عظیم خود با عنوان «طبقات الشافعیة الکبری» را در این قرن پدید آورد که برای تنظیم کتاب خود از روش طبقه‌بندی قرن استفاده کرده و بزرگان شافعی هر قرن را به ترتیب الفبایی گردآوری کرده است. بدین ترتیب طبقه اول را اصحاب شافعی و طبقه دوم را شخصیت‌های شافعی قرن سوم قرار داده و همینطور تا طبقه هفتم که متوفیان بعد از سال ۷۰۰ ق. می‌باشند، پیش رفته است.^{۵۷}

«طبقات الشافعیة» تألیف استوی (د ۷۷۲ ق) دیگر کتاب طبقات‌نگاری شافعیان این قرن است که بدون طبقه‌بندی مشخص و براساس سال وفات شخصیت‌های شافعی کتاب خود را تنظیم نموده است.^{۵۸}

همچنین کتاب «طبقات الفقهاء الشافعیین» نوشته ابن کثیر دمشقی در این قرن نگاشته شده که به بررسی زندگینامهٔ فقهای شافعی تا سال

جالب توجه آن است که در این قرن هر چهار مذهب فقهی اهل سنت دارای طبقات‌نگاری می‌باشند که در این میدان حنفیان گوی سبقت را از رقیبان ربوده‌اند و از جمله کتابهای آنها می‌توان به کتاب «نظم الجمان فی طبقات اصحاب امامنا النعمان» تألیف ابراهیم بن محمد معروف به ابن دقماق مصری (۷۵۰-۸۰۹ ق) اشاره کرد که جلد اول آن اختصاص به زندگینامه و مناقب ابوحنیفه دارد.^{۳۲}

کتاب دیگر، «تاج التراجم فی طبقات الحنفیه» نوشته شیخ ابی‌العدل زین‌الدین قاسم بن قطلوبغا (د ۸۷۹ ق) می‌باشد که بر طبق حروف الفبا در دو جلد تنظیم یافته است و نویسنده در هر مورد اطلاعاتی همچون تحصیلات و مکان آن، اخلاق، تولد و وفات، کتب، راوی و مروی عنه و سفرهای آنها را ارائه می‌دهد.^{۳۳}

و بالاخره سومین کتاب «طبقات الحنفیه» نوشته قاضی محب‌الدین ابی‌الفضل محمدبن ابی‌الولید معروف به ابن شحنه حنفی حلبی (د ۸۹۰ ق) می‌باشد.^{۳۴}

شافعیه در این قرن دو کتاب مهم تألیف کردند که اولین آنها با نام «طبقات الشافعیه» تألیف ابوبکر بن احمد معروف به ابن قاضی شهبه دمشقی (۷۷۹-۸۵۱ ق) است که به زندگینامه‌های بزرگان مذهب شافعی تا سال ۸۴۰ ق. در ۲۹ طبقه اختصاص دارد.^{۳۵}

و کتاب دوم نیز با همین عنوان تألیف عمادالدین ابوالفداء اسماعیل بن ابراهیم بن محمد مقدسی شافعی معروف به ابن شرف (د ۸۵۲ ق) می‌باشد.^{۳۶} از کتب طبقات‌نگاری حنبلیان در این قرن می‌توان کتاب «الذیل علی طبقات الحنبلیه للفراء» نوشته تقی‌الدین ابراهیم بن محمد بن مفلح رامینی مقدسی حنبلی (د ۸۰۳ ق) را یاد کرد.^{۳۷} و بالاخره شمس‌الدین سخاوی (د ۹۰۲ ق) مورخ معروف قرن نهم با نگاشتن کتاب «طبقات المالکیه» کتابی نیز در طبقات‌نگاری مالکیان در این قرن عرضه کرد.^{۳۸}

در قرن دهم شاهد ظهور قهرمان طبقات‌نگاری این قرن یعنی جلال‌الدین عبدالرحمن سیوطی (۸۴۹-۹۱۱ ق) دانشمند ذوالفنون هستیم که با نگارش کتب طبقات در علوم مختلف گامی مهم در راه پیشرفت طبقات‌نگاری برداشت.

از کتاب ذیل طبقات الحفظ او که بر کتاب طبقات الحفظ ذهبی نگاشته قبلاً یاد کردیم.

یکی از مهم‌ترین کتاب‌های طبقات‌نگاری در علوم ادبی کتاب «هبة الوعاة فی طبقات اللغویین و النحاة» است که سیوطی آن را در قرن نهم و در سال ۸۷۱ ق. نگاشت.

سیوطی در این کتاب ترتیب الفبایی را با مقدم انداختن اسامی محمد و احمد پذیرفته است و در هر مورد به ارائه اطلاعاتی همچون تاریخ تولد و وفات اساتید و شاگردان و کتب آنها می‌پردازد و در پایان آن ابوابی را به ذکر کنیه‌ها، القاب، نسب، مؤلف (المتفق خطأ، المختلف لفظاً) و... اختصاص داد.^{۳۹}

و بالاخره سومین کتاب طبقات‌نگاری او کتاب «طبقات المفسرین» می‌باشد^{۴۰} که کار او در این رشته در همین قرن به وسیله شاگردش

قهرمان طبقات‌نگاری این قرن یعنی ابن حجر عسقلانی (د ۸۵۲ ق) نقطه عطف خود را پشت سر گذاشت. زیرا ابن حجر با نگارش کتاب «تقریب التهذیب» و به کار گرفتن روش ابتکاری در آن، راه تازه‌ای را در مقابل طبقات‌نگاران گشود.

این روش چنانچه قبلاً توضیح داده شده، بر به کارگیری همزمان ترتیب طبقاتی و ترتیب الفبایی استوار بوده، بدین گونه که ابن حجر در آغاز کتاب خود محدثان را از صحابه تا زمان آخرین مؤلف کتب صحاح سنه یعنی نسایی (۲۱۵-۳۰۳ ق) در دوازده طبقه جای می‌دهد و سپس محدثان را طبق حروف الفبا مطرح کرده و علاوه بر ذکر اساتید و شاگردان، شماره طبقه آنها را نیز یادآور می‌شود.^{۴۱}

ابن حجر همچنین ابتکار دیگری در طبقات‌نگاری محدثان به خرج داد و آن نگارش کتابی با عنوان «طبقات المدلسین» نگاشت که در آن نام ۱۵۲ نفر از تدلیس‌گران^{۴۲} را به ترتیب حروف الفبا تنظیم کرد.^{۴۳} در این قرن در علم قرائت شاهد دو کتاب می‌باشیم که نصاب خوبی برای این نوع طبقات‌نگاری می‌باشد.

اولین کتاب نگاشته شمس‌الدین جزری (۷۵۱-۸۲۳ ق) و با عنوان «غایة النهایة فی طبقات القراء» می‌باشد که به صورت الفبایی تنظیم شده است.^{۴۴} و کتاب (ز) ذیلی است بر همین کتاب با عنوان «الذیل علی طبقات القراء» که توسط مورخ معروف این قرن یعنی شمس‌الدین محمدبن عبدالرحمن معروف به سخاوی (د ۹۰۲ ق) نگاشته شد.^{۴۵}

در علوم ادبی کتابی با عنوان «طبقات النحاة و اللغویین» توسط تقی‌الدین ابن قاضی شهبه (۸۹۹-۸۵۱ ق) نگاشته شد. مؤلف در این کتاب که براساس حروف الفبا (با مقدم انداختن اسامی محمد) تنظیم شده است به شرح حال هزار نفر از دانشمندان رشته‌های مختلف می‌پردازد و علت این کثرت آن است که نویسنده شرح حال بسیاری از مفسران، محدثان، قراء و فقها را که نحوی و لغوی نیز بوده‌اند، می‌آورد.^{۴۶}

در علم کلام نیز شاهد کتاب طبقات المعتزله نوشته احمدبن یحیی بن مرتضی (۸۶۴-۸۴۰ ق) از پیشوایان زیدیه می‌باشیم. که متکلمان معتزلی مذهب را به سبک قاضی عبدالجبار به ده طبقه تقسیم کرده و سپس در طبقه یازدهم قاضی عبدالجبار و در طبقه دوازدهم اصحاب او را قرار می‌دهد.^{۴۷}

صوفیان نیز در این قرن از قافله عقب نمانند، زیرا سراج‌الدین (۲۲۳-۸۰۴ ق) با نگارش کتاب «طبقات الاولیاء» نام خود را در طبقات‌نگاران این قرن ثبت نمود.

مؤلف در این کتاب شرح حال صوفیان را تا قبل از قرن هشتم به صورت الفبایی بیان می‌کند و فصل آخر کتاب خود را به اولیای قرن هشتم اختصاص می‌دهد و شهاب‌الدین قونوی (د ۷۸۷ ق) را به عنوان آخرین صوفی این قرن مطرح می‌کند.

مؤلف در ذیل شرح حال صوفیان به ذکر بعضی از عبارات نثر آنها نیز می‌پردازد.^{۴۸}

و بالاخره در این قرن به طبقات‌نگاری فقها می‌رسیم که از نکات

در قرون دوازده و سیزده، و بخش اعظم قرن چهاردهم شاهد کتاب مهمی در طبقات‌نگاری در علوم مختلف نمی‌باشیم.^{۱۱} در اواخر قرن چهاردهم و اوایل قرن پانزدهم شاهد تلاش‌های مفیدی در عرصه طبقات‌نگاری در علوم مختلف بودیم که به معرفی اجمالی چند اثر در این زمینه می‌پردازیم:

۱- الفتح المبين فی طبقات الاصوليين نوشته عبدالله مصطفی مراغی.

مؤلف در آغاز کتاب می‌گوید: سیوطی در حسن المحاضرة کتابی را در «طبقات اصولیین» برای خود ذکر می‌کند که ما آن را نیافتیم. و سپس کتاب خود را اولین کتابی می‌داند که به ذکر طبقات اصولیین از آغاز تاسیس این علم تا اواخر قرن چهاردهم می‌پردازد.^{۱۲}

مؤلف در این کتاب به ذکر شرح حال اصولیون از قرن اول هجری به گونه قرن به قرن می‌پردازد و اصولیون همه مذاهب را می‌آورد.

۲- معجم طبقات القراء و المفسرين، نوشته شیخ عبدالعزیز عزالدین السیروان.

مؤلف در آغاز کتاب به شرح حال مفصل سیوطی پرداخته و آثار او را بررسی می‌کند.

سپس مانند سیوطی طبقات مفسران و قراء را از زمان صحابه تا زمان ابن حجر عسقلانی در ۲۴ طبقه قرار می‌دهد و آنگاه کتاب خود را به دو قسمت «طبقات القراء» و «طبقات المفسرين» تقسیم نموده و به گونه الفبایی به ارائه اطلاعات مختصری همچون ذکر نام، تاریخ وقات و منابع زندگینامه می‌پردازد.

مؤلف کتاب خود را براساس کتبی همچون طبقات ابن سعد، فهرست‌الندیم، تذکرة الحفاظ ذهبی، تهذیب التقریب ابن حجر، طبقات الشافعية سبکی، شذرات الذهب ابن عماد حنبلی و... تنظیم کرده است.^{۱۳}

۳- مختصر طبقات الحنابلة، نوشته شیخ محمد جمیل بن عمر بغدادی معروف به ابن شطی

مؤلف در این کتاب به اختصار به زندگینامه احمد حنبل، معاصران او، شاگردانش و حنبلیان تا قرن حاضر می‌پردازد.

روش مؤلف در ترتیب کتاب خود، براساس تاریخ وقات شخصیت‌ها می‌باشد.^{۱۴}

۴- طبقات النسابین نوشته بکر ابوزید

مؤلف در این کتاب نسب‌شناسان را در پانزده طبقه به اختصار بررسی می‌کند، بدین ترتیب که هر قرن را یک طبقه به حساب آورده است و تعداد ۵۲۲ نفر از نسب‌شناسان را تا سال ۱۴۰۶ ق. ذکر می‌نماید.

اطلاعات ارائه شده در هر مورد شامل تولد و وقات و تالیفات می‌باشد.^{۱۵}

۵- الاجتهاد و طبقات مجتهدی الشافعية نوشته دکتر محمدحسن هیتو مؤلف در این کتاب پس از بررسی زندگانی شافعی در سه طبقه به شرح حال مجتهدان شافعی می‌پردازد.

او طبقه اول را طبقه مجتهدین منتسب به شافعی می‌داندو مجتهد

شمس‌الدین محمدبن علی بن احمد دلودی (د ۹۴۵ ق) پیگیری شد و او با نگارش کتاب طبقات المفسرين به شرح حال ۷۰۴ نفر از مفسران در دو جلد پرداخت. داودی که کتاب خود را براساس حروف الفبا تنظیم نموده بود، در هر مورد به ذکر تولد و وفات، شاگردان و اساتید و کتب قرآنی و غیر قرآنی مفسران می‌پردازد.^{۱۶}

صوفیه در این قرن یکی از مهم‌ترین کتب طبقات‌نگاری خود را با نام «لواحق الانوار فی طبقات الاخیار» معروف به «طبقات الشعرانی الکبری» را عرضه کردند. عبدالوهاب بن احمد شعرانی (۸۹۸-۹۷۳ ق) مورخ صوفی این کتاب به زعم خود به شرح حال زاهدان و صوفیان از عصر صحابه تا زمان خود را گردآوری کرده است، که در این راستا از زندگینامه ابوبکر و دیگر خلفای چهارگانه شروع کرده و سپس به بقیه صحابه می‌رسد و تا پایان قرن نهم و بخشی از قرن دهم به ترتیب زمان و نه با رعایت طبقات‌نگاری خاصی کتاب خود را ادامه می‌دهد و در هر مورد علاوه بر شرح حال آنها به ذکر بعضی از عبارات نغز آنها با اصطلاح «عیون کلامهم» می‌پردازد.^{۱۷}

مهم‌ترین کتاب در طبقات‌نگاری حنبلیان در این قرن کتاب «الجوهرة المنضدة فی طبقات متاخری اصحاب احمد» نوشته یوسف بن حسن بن عبدالهادی دمشقی صالی حنبلی معروف به ابن میرد (۸۳۰-۹۰۹ ق) می‌باشد. این کتاب ذیلی بر طبقات ابن رجب (۷۳۶-۷۹۵ ق) می‌باشد که خود آن کتاب ذیلی بر طبقات ابی یعلی الفراء (۴۵۱-۵۲۶ ق) است. مؤلف در این کتاب که آن را به ترتیب حروف الفبا تنظیم کرده است به شرح حال ۲۱۱ نفر از فقهای حنبلی از زمان ابن رجب تا زمان خود می‌پردازد.^{۱۸}

حنفیان نیز همانند قرن گذشته در این عرصه فعال بودند که از جمله کتب مهم آنها می‌توان از کتاب طبقات الحنفیه نوشته قیتالی‌زاده (د ۹۷۹ ق)^{۱۹} و طبقات الحنفیه تألیف قطب‌الدین محمدبن احمد بن محمد بن قاضی خان نهروانی هندی مکی حنفی (د ۹۹۱ ق)^{۲۰} را نام برد.

در این قرن به کتابی با سبکی نو در طبقات‌نگاری برخورد می‌کنیم که «الشقائق النعمانية فی علماء الدولة العثمانية» نام دارد و توسط تاش کوپری‌زاده (د ۹۶۸ ق) نگاشته شده است.

مؤلف در این کتاب سلاطین عثمانی از سلطان عثمان تا سلطان سلیمان را که ده نفر بوده‌اند به ده طبقه تقسیم می‌کند و پس از ذکر حوادث سیاسی به بیان دانشمندان آن طبقه می‌پردازد.^{۲۱}

در قرن یازدهم میدان‌دار عرصه طبقات‌نگاری حنفیان بودند، که از مهم‌ترین کتب آنها می‌توان از «طبقات السنیة فی تراجم الحنفیه» نوشته تقی‌الدین بن عبدالقادر مصری (د ۱۰۰۵ ق) یاد کرد که بعضی آن را آخرین نوشته طبقات‌نگاری حنفیان می‌دانند.^{۲۲}

اما حاجی خلیفه به کتاب دیگری با عنوان «طبقات الحنفیه» نوشته قاضی خلیل رومی معروف به صولاق‌زاده (د ۱۰۹۵ ق) اشاره می‌کند^{۲۳} که از این کتاب متاخرتر است. همچنین در این قرن از طبقات‌نگاران دیگر مذاهب فقهی همچون ابوبکر بن هدایة الله حسینی ملقب به مصنف (د ۱۰۱۴ ق) نباید غافل ماند.

منتسب را اینگونه تعریف می‌کند:

«مجتهد منتسب کسی است که به مرتبه اجتهاد مطلق رسیده است و می‌تواند احکام را از کتاب و سنت مستقیماً به دست آورد، اما در مرحله اصول فقه، به تأسیس اصولی خاص اقدام نکرده است و بنابراین در مرحله استخراج احکام، آنها را با استفاده از اصول تأسیس شده به وسیله مجتهدان مطلق همچون شافعی و ابوحنیفه به دست می‌آورد.»^{۱۷}

و طبقه دوم را اصحاب مجتهد شافعی می‌داند که با او نشست و برخاست داشته و از علم او استفاده کرده‌اند.

و طبقه سوم را مجتهدین مذهب بعد از اصحاب شافعی می‌داند و مجتهد مذهب را کسی می‌داند که به درجه مجتهد مطلق و مجتهد منتسب نرسیده اما به مرحله‌ای از علم دست یافته که صلاحیت او را برای به دست آوردن احکام طبق مذهب و اصول امامی از امامان مذاهب تأیید می‌کند.^{۱۸}

نویسنده در همه طبقات، زندگینامه‌ها را براساس سال وفات تنظیم نموده‌است و در هر مورد، اطلاعاتی همچون اساتید و شاگردان، مناقبه کتب مشهور فقهی، آرای فقهی منحصر به فرد و تولد و وفات ارائه می‌دهد.^{۱۹}

از نقاط قوت این کتاب وجود فهرست الفبایی اعلام در پایان کتاب است که دسترسی محققان به مطالب آن را آسان‌تر می‌کند.

ب. طبقات‌نگاری شیعه^{۲۰}

گرچه ممکن است در نگاه اول چنین تصور شود که شیعه در این میدان فعالیت چشمگیری نداشته است اما با بررسی کتب طبقات‌نگاری شیعه و نیز مراجعه به کتب کتابشناسی، این تصور اولیه به زودی از بین می‌رود و این نتیجه به دست می‌آید که طبقات‌نگاری شیعی چه از جهت کمی و چه از جهت محتوایی منزلت مناسبی را در میان طبقات‌نگاری مسلمانان کسب کرده است... و از جهت تنوع، گرچه نقطه ثقل کتب طبقات‌نگاری شیعه دربارهٔ راویان احادیث معصومین علیهم‌السلام می‌باشد، اما در رشته‌های دیگر همچون ادبیات، تفسیر و قرائت و نسب‌شناسی، به کتب طبقات‌نگاری شیعی نیز برخورد می‌کنیم.

نکته لازم به تذکر در اینجا آنکه هنگام نسبت‌سنجی کتب طبقات‌نگاری شیعی، نباید شیعه را در مقابل قاطبه اهل سنت قرار داد، بلکه باید با شیعه مامله‌ای همچون یکی از مذاهب اهل سنت مانند حنفی، شافعی و... نمود که در این هنگام مشاهده خواهیم کرد که طبقات‌نگاری شیعی در میان مذاهب اسلامی رتبه خوبی را کسب می‌نماید.

دربارهٔ پیشینه طبقات‌نگاری شیعی، اگر همانند الندیم قائل به تشیع واقدی (د ۲۰۷ ق) باشیم^{۲۱} باید آغاز قرن سوم را آغاز طبقات‌نگاری شیعه بدانیم که البته اثبات چنین مطلبی مشکل است، گرچه بعضی از دانشمندان شیعه بر آن اصرار داشته باشند.^{۲۲}

البته در این راستا نمی‌توانیم تشیع هشتم بن عدی (د ۲۰۷ ق) صاحب کتاب‌های «طبقات الفقهاء و المحدثین» و «طبقات من روی عن

النبی (ص) من اصحابه»^{۲۳} را بعید بدانیم که به ویژه این احتمال باتوجه به روایاتی که ابن ابی الحدید در ماجرای سقیفه از او نقل می‌کند،^{۲۴} تقویت می‌گردد.

اگر تشیع این دوشخصیت را نپذیریم، باید آغاز طبقات‌نگاری شیعه را با کتاب «طبقات الشعراء» تألیف دعبل بن علی خزاعی (۱۴۸-۲۴۶ ق)^{۲۵} شاعر متعهد شیعی بدانیم و معنای این سخن آن است که آغاز طبقات‌نگاری شیعی در علوم ادبی بوده است.

در همین قرن در علوم ادبی شاهد کتاب دیگری با همین عنوان می‌باشیم که آن را عبدالله بن احمد بن حرب بن مهزم بن خالد بن خزر معروف به ابی‌هفان بصری پدید آورده است.^{۲۶}

اولین کتاب طبقات‌نگاری مختص به راویان شیعی به وسلیه ابوجعفر احمد بن محمد بن خالد بن عبدالرحمن برقی^{۲۷} و با عنوان «کتاب الطبقات» نیز در این قرن پدید آمد^{۲۸}، که بنا به نوشته بعضی از کتابشناسان این کتاب، همان است که هم‌اکنون موجود می‌باشد و کتاب رجالی دیگر نویسنده که عنوان کتاب الرجال داشته از بین رفته است.^{۲۹}

در این کتاب، محور طبقه‌بندی راویان، معصومین علیهم‌السلام می‌باشند که در این راستا، مؤلف از اصحاب پیامبر اکرم (ص) شروع نموده و کتاب خود را با اصحاب یازدهمین امام (ع) خاتمه می‌دهد و در هنگام شمارش یاران هر امام، در آغاز یاران آن امام (ع) که امام یا ائمه پیشین را نیز درک کرده‌اند، ذکر می‌کند و سپس به سراغ اصحابی می‌رود که حیات علمی خود را در زمان آن امام (ع) شروع کردند. و در پایان در باب دوازدهم به ذکر زنان راوی از معصومین علیهم‌السلام می‌پردازد که از پیامبر اکرم (ص) شروع کرده و به امام هادی (ع) ختم می‌نماید.

این کتاب حالت فهرست مانند دارد و در هر مورد حاوی اطلاعات مختصری همچون نام و نام پدر و قبیله راویان می‌باشد.

و بالاخره در پایان این قرن شاهد کتاب «طبقات الشیعه» نوشته سعد بن عبدالله اشعری (د ۲۹۹ یا ۳۰۰ یا ۳۰۱ ق) می‌باشیم.^{۳۰}

در قرن چهارم هجری، کتاب‌هایی همچون «طبقات الشیعه» تألیف عبدالعزیز بن اسحاق (زنده در سال ۳۲۶ ق)^{۳۱}، «کتاب الطبقات» نوشته احمد بن محمد بن حسین بن حسن بن دول قمی (د ۳۵۰ ق)^{۳۲} و دو کتاب، «کتاب الشیعه من اصحاب الحدیث و طبقاتهم» و «کتاب الموالی و الاشراف و طبقاتهم» تألیف محمد بن عمر بن محمد بن سالم معروف به قاضی جمالی (۲۸۴-۳۵۵ ق)^{۳۳} و کتاب «طبقات العرب و الشعراء» تألیف ابی احمد عبدالعزیز بن یحیی جلودی استاد شیخ جعفر بن محمد قولویه (۳۶۸ یا ۳۶۹ ق)^{۳۴} در زمینه طبقات‌نگاری پدید آمدند.

تنها کتاب به جای مانده از قرن پنجم در این زمینه «کتاب الرجال» تألیف شیخ ابوجعفر طوسی معروف به شیخ الطائفة (۲۸۵ - ۳۶۰ ق) می‌باشد.

مؤلف در این کتاب فهرست نام ۵۹۱۹ نفر از راویان پیامبر اکرم (ص) و ائمه معصومین تا امام حسن عسکری علیهم‌السلام را به صورت جداگانه ذکر کرده است بدین ترتیب که اصحاب هر معصومی را طبق حروف الفبا تنظیم نموده است.

مؤلف در این کتاب که آن را به گونه‌ی قبایی تنظیم نموده است، ذیل هر راوی به بیان راویان و مشایخ راوی او با توجه به کتب اربعه شیعه پرداخته است و اگر راوی از اصحاب امام (ع) بود، آن را متذکر شده است و در بیان شرح حال و توثیق و تضعیف خود، نشانی آن را از کتب رجالی شیعه ذکر کرده است. آنگاه خود وارد بحثی میدانی شده و نشانی روایاتی را که راوی در سلسله سند آن قرار داشته، از کتب اربعه شیعه ذکر کرده است.^{۱۳۵}

اگر مؤلف در آغاز کتاب خود به تعیین طبقات راویان می‌پرداخت و در ذیل هر راوی شماره طبقه او را نیز ذکر می‌کرد، این کتاب یکی از بهترین کتب طبقات‌نگاری شیعه به حساب می‌آمد.

در همین قرن کتاب «الدرجات الرفیعه فی طبقات اعلام الشیعه» توسط سید صدرالدین علی بن نظام‌الدین احمد حسینی دشتکی معروف به سید علیخان مدنی (۱۰۵۲ - ۱۱۲۰ ق) به نگارش درآمد، که بعضی از آن با عنوان «طبقات الامامیه و الشیعه» یاد کرده‌اند.^{۱۳۶}

در این کتاب به جز در سه طبقه اول در طبقات دیگر، کلمه طبقه به معنای مصطلح آن به کار برده نشده است، زیرا مؤلف در کتاب خود به برجستگان شیعه از دوازده طبقه از قرار زیر می‌پردازد.

۱. صحابه ۲. تابعین ۳. راویان از ائمه علیهم‌السلام ۴. دانشمندان محدثه مفسر و فقیه که راوی مستقیم نبوده‌اند. ۵. حکما و متکلمان
۶. دانشمندان علوم ادبی ۷. بزرگان صفویه ۸. پادشاهان ۹. امیران
۱۰. وزیران ۱۱. شاعران ۱۲. زنان.^{۱۳۷}

در قرن سیزدهم به دو کتاب با عنوان «طبقات الرواة» برخورد می‌کنیم که اولین آنها نوشته مولی آغا بن رمضان بن زاهد شیروانی معروف به فاضل دربندی (د ۱۲۸۶ ق) می‌باشد که نام دیگر آن «لقوامیس» است و حاوی مباحث درایه، رجال، تمییز مشترکات و... می‌باشد.^{۱۳۸}

و دومین آنها نوشته عبدالحسین بن علی طهرانی حائری معروف به شیخ‌العراقین (د ۱۲۸۶ ق) می‌باشد که به صورت نموداری می‌باشد.^{۱۳۹}

قرن چهاردهم را باید اوج شکوفایی طبقات‌نگاری شیعی بدانیم، زیرا شیعه در طی قرون اسلامی بیشترین کتاب طبقات‌نگاری را در این قرن عرضه کرده است. اولین کتاب طبقات‌نگاری این قرن «طبقات المشایخ و العلماء» نام دارد که آن را سید زین‌العابدین بن ابی‌القاسم طباطبایی طهرانی معروف به «سیدآقا» (د ۱۳۰۳ ق) به رشته تحریر درآورده است. و آن را به زندگینامه دانشمندان شیعه از زمان غیبت تا عصر خود اختصاص داده است.

مؤلف در این کتاب که نتوانسته آن را به پایان برساند، از قرن سوم تا چهاردهم، صد سال صدسال به پیش می‌آید.

او هر صد سال را به ده طبقه تقسیم نموده و در هر طبقه ده ساله به ذکر متوفیان طبقه می‌پردازد.^{۱۴۰}

پس از آن به کتاب «طرائف المقال فی معرفة طبقات الرجال» نوشته سید علی‌اصغر بن سید محمد شفیع جابلقی بروجردی (د ۱۳۱۳ ق) می‌رسیم که طبقات راویان شیعی را از طبقه مشایخ و معاصرین خود تا

سپس در پایان کتاب خود بابتی با عنوان «باب ذکر اسماء من لم یرو عن واحد من الائمة علیهم‌السلام» گشوده و در آن به ذکر راویان طبقات بعدی به ترتیب حروف الفبا می‌پردازد و پس از آن به سراغ کسانی می‌رود که با کنیه خود معروف بوده‌اند. مؤلف در پایان هر یک از ابواب کتاب خود به ذکر نام زنان راوی نیز پرداخته است.

به نظر می‌رسد هدف اصلی نویسنده از نوشتن این کتاب نوعی فهرست‌نگاری بوده باشد، اما در موارد فراوانی به ذکر توثیق یا تضعیف راویان از سوی مؤلف برخورد می‌نماییم که صبغه‌ای رجالی نیز به کتاب می‌دهد.^{۱۴۱} در قرن ششم به نام کتابهایی همچون «طبقات الشعراء» نوشته عماره بن علی بن زینان یمنی (۵۶۹د)^{۱۴۲} و اولین کتاب در طبقات نگاری قاریان یعنی «طبقات القراء الموسوم بکتاب الانتصار فی معرفة قراء المدن و الامصار» نوشته ابوالعلاء حسن بن احمد بن حسن عطار همدانی (۴۸۸ - ۵۶۹ ق)^{۱۴۳} و اولین کتاب در طبقات نگاری نسبت‌شناسان با عنوان «طبقات النسائین» نوشته ابوعلی محمد بن اسعد جوانی حسینی (۵۸۸د ق)^{۱۴۴} برخورد می‌نماییم که به نویسنده اخیر کتاب دیگری با عنوان «طبقات الطالبین» نیز نسبت داده شده است.^{۱۴۵}

در قرن هفتم شاهد کتابی با عنوان «طبقات الامامیه» نوشته یحیی بن حمید معروف به ابن ابی‌طی حلی (۵۷۵ - ۶۳۰ ق) هستیم^{۱۴۶} که اخیراً بخشی از آن بازسازی شده است.^{۱۴۷}

از قرن هشتم تا اوایل قرن یازدهم به کتابی از شیعه در طبقات‌نگاری برخورد نکردیم، در قرن یازدهم به سه کتاب در این زمینه برمی‌خوریم که اولین آنها از آن محمدبن حسین بن عبدالصمد حارثی معروف به شیخ بهایی (د ۱۰۳۰ ق) می‌باشد که آن را در سال ۱۰۰۵ ق. پدید آورده است. این کتاب به صورت نموداری می‌باشد، بدین ترتیب که در پایین صفحه اسامی هر یک از مؤلفین کتب اربعه شیعه نگاشته شده و سپس به ترتیب و با کلمه «عن» به سراغ مشایخ روایی آنها می‌رود و در مورد هر شیخ، به همین ترتیب به ذکر مشایخ روایی آنها می‌پردازد تا آنکه در بالای صفحه به راویان بی‌واسطه از ائمه علیهم‌السلام می‌رسد که در پایان این نمودار شکل درختی را به خود می‌گیرد.^{۱۴۸}

دومین کتاب تألیف شیخ عبداللطیف بن علی بن احمد بن ابی‌جامع عاملی شاگرد شیخ بهایی (ره) است؛^{۱۴۹} که در بخش‌های پیشین به کیفیت طبقات‌نگاری او اشاره کردیم.

و بالاخره، سومین طبقات‌نگار شیعی این قرن ملامحمد تقی مجلسی (۱۰۷۰ ق) است که از او کتابی با عنوان «طبقات الرواة» یاد شده است.^{۱۵۰} که به نظر می‌رسد همان کتاب «شرح مشیخه الصدوق» او باشد که در بخش‌های پیشین به معرفی آن پرداختیم.^{۱۵۱}

در قرن دوازدهم به کتاب «جامع‌الرواة و ازاحة الاشتباهات عن الطرق و الاسناد» نوشته محمدبن علی اردبیلی غروی حائری (د ۱۱۱۱ ق) برخورد می‌کنیم که گرچه به علت عدم وجود کلمه طبقات در عنوان کتاب و نیز عدم رعایت اصول طبقات‌نگاری در محتوای آن نمی‌توانیم آن را جزو کتب طبقات‌نگاری به حساب آوریم، اما به جهت الگوبرداری تعدادی از کتب طبقات‌نگاری شیعه از آن، به معرفی اجمالی آن می‌پردازیم.

علاوه بر نام عمومی «طبقات اعلام الشیعة» برای هر جزء از کتاب خود به ترتیب زیر نام‌های جداگانه برگزیده است:

- ۱- قرن چهارم: نوابغ الرواه فی رابعة المات
- ۲- قرن پنجم: ازاحة الحلک النامس (النابس فی القرن الخامس)
- ۳- قرن ششم: الثقات العیون فی سادس القرون
- ۴- قرن هفتم: الانوار الساطعة فی الماة السابعة
- ۵- قرن هشتم: الحقائق الراهنة فی تراجم اعیان الماة الثامنة
- ۶- قرن نهم: الضیاء اللامع فی القرن التاسع
- ۷- قرن دهم: احياء اللائر من مائر من فی القرن العاشر
- ۸- قرن یازدهم: الروضة النضرة فی علماء الماة الحادية عشرة
- ۹- قرن دوازدهم: الكواكب المنتثرة فی القرن الثاني بعد العشرة
- ۱۰- قرن سیزدهم: الكرام البررة فی القرن الثالث بعد العشرة
- ۱۱- قرن چهاردهم: نقباء البشر فی القرن الرابع عشر. ^{۷۳}

مؤلف در هر جزء اسامی دانشمندان شیعه را به ترتیب الفبایی اسم آنها تنظیم نموده و به شرح حال آنها شامل تولد و وفات، اساتید و شاگردان و کتب آنها پرداخته است و در پایان هر جلد، فهرستی الفبایی از اعلام ترجمه شده آن جلد تنظیم شده است تا مراجعه محققان را آسان‌تر نماید. طبقات نگار دیگر این قرن شیخ علی بن محمدرضا بن موسی بن شیخ جعفر کاشف الغطاء (۱۲۶۷ - ۱۳۵۰ ق) است که به نگارش کتابی با عنوان «طبقات الشیعة» پرداخته است. ^{۷۴}

و بالاخره در پایان این قرن به آیت... نجفی مرعشی می‌رسیم که با نگارش کتاب «طبقات النسابین» نام خود را در زمره طبقات نگاران ثبت نموده است.

مؤلف در این کتاب به شرح حال حدود ۵۰۰ نفر از نسب‌شناسان مشهور از عقیل بن ابی طالب تا زمان خود می‌پردازد و در آن طرق روایات نسب‌شناسان و اساتید آنها در انساب را بیان می‌کند. ^{۷۵}

از آغاز قرن پانزدهم تاکنون نیز شاهد پدید آمدن کتابهای چندی در این عرصه می‌باشیم که مهم‌ترین آنها کتاب «معجم رجال الحديث و تفصیل طبقات الرواة» نوشته آیت... خوبی (۱۳۱۷ - ۱۴۱۳ ق) می‌باشد. مؤلف در این اثر عظیم خود به تنظیم الفبایی بیش از پانزده هزار نفر از روایان روایات شیعه که در سلسله اسناد کتب اربعه و برخی از دیگر کتب روایی معتبر شیعه همانند تفسیر قمی و کامل الزیارات ابن قولویه (د ۳۶۸ یا ۳۶۹ ق) واقع شده‌اند پرداخته و در هر مورد به ذکر شرح حال و نیز روایان و مشایخ و تألیفاتشان پرداخته است و در پایان هر جلد در بخشی جداگانه نشانی روایات آنها را در کتب روایی پیش گفته ذکر کرده است. که بدین ترتیب شباهت فراوانی بین این کتاب و کتاب جامع الرواة اردبیلی در شیوه تنظیم مشاهده می‌نمائیم و در این راستا نباید احتمال تأثیرپذیری ایشان از اردبیلی را منتفی بدانیم.

مؤلف در پایان کتاب خود بخش‌های جداگانه‌ای را به ذکر مشهورین به کنیه و القاب و نیز زنان راوی اختصاص داده است. به منظور سهولت استفاده از این دائرةالمعارف رجالی شیعه، کتب راهنمای چندی از سوی رجال‌شناسان معاصر شیعه تنظیم شده است که

طبقه اصحاب پیامبر اکرم (ص) در ۳۱ طبقه جای داده است بدین ترتیب که طبقه مشایخ و معاصرین خود را طبقه اول و طبقه اصحاب پیامبر اکرم (ص) را طبقه سی و یکم نامیده است. و به شرح حال اجمالی راویان هر طبقه پرداخته است.

مؤلف در درون هر طبقه هیچگونه ترتیبی اعم از الفبایی و سالشماری را رعایت نمی‌کند. و نیز در پیوستگی بین طبقات، مسأله شاگردی و استادی میان آنها را مستقیماً ملحوظ نمی‌دارد. ^{۷۶}

همچنین شیخ آغا بزرگ طهرانی، دو کتاب طبقات نگاری با عنوان‌های «طبقات الثقات» یا «عیون الرجال» و «الطبقات فی الرواة و مشایخ الاجازات» برای استاد خود ابومحمد حسن بن هادی آل صدرالدین موسوی کاظمی (۱۲۷۲ - ۱۳۵۴ ق) ذکر می‌کند. و دومی را اجازه‌ای مفصل می‌داند که برای سید صدرالدین بن اسماعیل صدر و شیخ محمد باقر بن آغا نجفی صادر شده است. ^{۷۷}

کتاب دیگر این قرن «طبقات الرواة» یا «مرقاة الثقات» نوشته سید میرزا هادی بجستانی (د ۱۳۶۸ ق) می‌باشد. ^{۷۸}

و بالاخره در این قرن به آیت... العظمی بروجردی (۱۲۹۲ - ۱۳۸۰ ق) یعنی قهرمان طبقات نگاری شیعی در این قرن می‌رسیم که با ایجاد سبکی ابتکاری در طبقات نگاری تطبیقی نقطه عطفی در طبقات نگاری شیعه ایجاد کرد.

چنانچه در بخش‌های پیشین یادآور شدیم، آیت... بروجردی در مقدمه کتاب «ترتیب اساتید الکافی» طبقات راویان شیعه را از صحابه پیامبر اکرم (ص) تا زمان اساتید خود به سی و شش طبقه تقسیم نموده و خود را در طبقه سی و هفتم قرار می‌دهد ^{۷۹} و آنگاه به سراغ کتاب کافی (اصول، فروع و روضة) رفته و به ذکر راویان براساس حروف الفبا پرداخته و نشانی روایات آنها را ذکر می‌کند و سپس به ذکر سلسله سندی که در آن واقع شده‌اند، می‌پردازد.

چنانچه قبلاً نیز اشاره شد اگر ایشان هنگام ذکر راویان همان ابن حجر در کتاب تقریب التهذیب به ذکر شماره طبقه آنها نیز می‌پرداخته تحول عظیمی در طبقات نگاری شیعه ایجاد می‌نمود.

طبقات نگار دیگر این قرن سید عبدالرزاق کمونه الحسینی (متولد ۱۳۲۴ ق) است که به نگارش کتاب «منیة الراغبین فی طبقات النسابین» در طبقات نگاری نسب‌شناسان پرداخته است.

مؤلف در آغاز این کتاب فهرستی از کتب انساب که توسط مسلمانان نگاشته شده به ترتیب حروف الفبا تنظیم نموده است. و آنگاه به شرح حال نسب‌شناسان (نسابین) شیعه و سنی از قرن اول تا اواخر قرن چهاردهم به گونه قرن می‌پردازد و در هر مورد به تولد و وفات و گوشه‌ای از زندگی آنها و نیز نام کتبشان اشاره می‌کند. ^{۸۰}

دیگر طبقات نگار بزرگ این قرن شیخ آغا بزرگ طهرانی (۱۲۹۳ - ۱۳۸۹ ق) است که در یک دائرةالمعارف عظیم با عنوان «طبقات اعلام الشیعة» به زندگینامه دانشمندان و ادیبان شیعه از ابتدای قرن چهارم تا اواخر قرن چهاردهم پرداخته است. و هر قرنی را یک طبقه نامیده و یک جزء از کتاب خود را به بررسی علمای آن قرن اختصاص داده است و

ویژگیهای این کتاب است.

از کتب طبقات‌نگاری معاصر شیعه که به زبان فارسی نگاشته شده است، کتاب «طبقات مفسران شیعه» نوشته عقیقی بخشایشی می‌باشد. که به ترتیب تاریخی و با تقسیم‌بندی قرن قرن، به بررسی زندگانی و شرح حال علمی مفسرانی که آنها را شیعه می‌داند، می‌پردازد، و در قرن پانزدهم نیز به مفسران معاصر و نیز تک‌نگاریهای تفسیری قرآن توجه کرده است.^{۳۲}

پی‌نوشت‌ها:

- ۱- در این بحث دو دسته از کتب مورد اشاره قرار می‌گیرد، دسته اول کتبی که عنوان طبقات را بر پیشانی خود دارد، هر چند به شیوه طبقات‌نگاری نگاشته نشده باشد و به شیوه‌های دیگری همچون ترتیب الفبایی یا محاسبه هر صد سال به عنوان یک طبقه تنظیم شده باشد. و دسته دوم کتبی است که به شیوه طبقات‌نگاری نگاشته شده است، هر چند عنوان طبقات را برای خود برنگزیده باشد همانند کتاب الرجال برقی، ترتیب المدارک قاضی عیاض و... اما کتبی که تنها به بررسی شرح حال یک طبقه همانند اصحاب و بدون توجه به شیوه طبقات‌نگاری و نیز بدون عنوان طبقات نگاشته شده، همانند کتاب الاستیعاب قرطبی، اسدالتابه ابن‌ابیر و الاصابه عسقلانی در این بخش نیامده است، هر چند بعضی آنها را جزو کتاب طبقات به حساب آورده‌اند. (سلبی، روفه، السنه الاسلامیه بین اثبات الفاهمین و رفض الجاهلین، چاپ چهارم، دارالعلم، ۱۴۰۲ ق، ص ۳۲۰).
- ۲- روزنتال، ص ۱۳۴.
- ۳- دراسات عن المورخین العربیه ص ۲۱ و ۶۱ به نقل از مسلم بن حجاج نیشابوری، الطبقات، تحقیق ابوعبیده مشهور بن حسن بن محمود بن سلمان، چاپ اول، ریاض، دارالهجرة ج ۱، ص ۳۵، مقدمه محقق.
- ۴- النديم، محمد بن اسحاق، کتاب الفهرسته ترجمه محمدرضا تجدد، چاپ سوم، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۶، ص ۲۹۳.
- ۵- همو، ص ۱۶۷.
- ۶- همو، ص ۱۶۵.
- ۷- همو، ص ۱۶۶.
- ۸- سلمی، محمد بن صاهل، ص ۵۷.
- ۹- سزگین، فؤاد، تاریخ التراث العربی، الجزء الثاني فی التذوین التاريخی، تعریب محمود فهمی حجازی، چاپ دوم، قم، کتابخانه آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی، ۱۴۰۳ ق، ج ۱، ص ۱۱۴.
- ۱۰- محمد بن احمد ازدی محقق کتاب الطبقات خلیفه بن خیاط، این کتاب را همان «کتاب الطبقات» می‌داند.
- ۱۱- النديم، ص ۳۳۳.
- ۱۲- برای اطلاع بیشتر مراجعه شود به: ابن خیاط، خلیفه کتاب الطبقات، تحقیق سهیل زکار، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۴ ق، مقدمه محقق.
- ۱۳- طبری، محمد بن جریر، تاریخ الطبری، بیروت، مؤسسة الاعلمی، ج ۳، ص ۱۰۹.
- ۱۴- مسلم بن حجاج نیشابوری، الطبقات، تحقیق ابوعبیده ص ۲۱۶، مقدمه محقق.
- ۱۵- برای اطلاع بیشتر از این کتاب و سبک نگارش آن رجوع شود به: ابن سلام جمعی، محمد طبقات الشعراء، مقدمه جوزف هل آلمانی و طه احمدیبراهیم، چاپ دوم، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۸ ق، مقدمه محققان و سلطان، منیر، ابن سلام و طبقات الشعراء، چاپ دوم، اسکندریه، منشأة المعارف، ۱۹۸۶ م.
- ۱۶- ابن قتیبه دینوری، ابومحمد عبدالله بن مسلم، الشعر والشعراء او طبقات الشعراء، تحقیق مفید قمیجه، چاپ دوم، ۱۴۰۵ ق، ص ۶ و ۷. محقق کتاب معتقد است که با توجه به سبک نگارش کتاب نام اول مناسب‌تر است.

از مهم‌ترین آنها می‌توانیم از کتاب «المفید من معجم رجال الحدیث» نوشته محمد جواهری^{۳۳} و کتاب «المعین علی معجم رجال الحدیث» نوشته سید محمد جواد حسینی بنگلادی^{۳۴} و «دلیل معجم رجال الحدیث» نوشته محمد سعید طریحی^{۳۵} یاد نمائیم.

دیگر رجالی طبقات‌نگار این قرن شیخ ابوطالب تجلیل تبریزی است که به نگارش کتاب «معجم الثقات و ترتیب الطبقات» پرداخته است. مؤلف در این کتاب، به گونه فهرست‌وار به ذکر اسامی راویان موثق به ترتیب حروف الفبا و براساس روش آیت‌ا... بروجردی در تعیین طبقات پرداخته است و در ذیل هر نام به شماره طبقه راوی و نیز منبع توثیق او اشاره می‌کند.^{۳۶}

از کتب مهم طبقات‌نگاری این قرن، کتاب «موسوعة طبقات الفقهاء» است که توسط گروه علمی مؤسسه امام صادق علیه السلام و تحت نظر آیت‌ا... جعفر سبحانی به نگارش درآمده است.

آیت‌ا... سبحانی دو جلد به عنوان مقدمه بر این دائرةالمعارف عظیم فقیه‌شناسی نوشته است که در جلد اول به بررسی مصادر تشریح فقه شیعه و اهل سنت پرداخته و سپس به ذکر میراث حدیثی و فقهی آنها می‌پردازد. و پس از آن به سراغ تاریخ اصول فقه و ادوار آن می‌رود.

و عمده مباحث جلد دوم آن اختصاص به بررسی ادوار مختلف فقه شیعه و اهل سنت از آغاز تاکنون می‌باشد.

از مباحثی که جای آن در این مقدمه خالی می‌باشد بررسی مبادی طبقات‌نگاری فقهاء و محدثان و سیر آن در میان شیعه و اهل سنت می‌باشد.

مجلدات این دائرةالمعارف که به مرحله چاپ رسیده است، تاکنون هشت مجلد می‌باشد که هر جلد اختصاص به بررسی فقهای همه مذاهب فقهی یک قرن دارد و بدین ترتیب تا اول قرن نهم پیش می‌آید. ترتیب درونی هر قرن، به ترتیب حروف الفبا است، با این تذکر که در قرن اول صحابه و تابعین از هم جدا شده و در دو بخش به صورت جداگانه مطرح می‌شوند.

به منظور سهولت استفاده محققان در پایان هر جلد سه فهرست تنظیم شده است که فهرست اول الفبایی است و فهرست دوم به ترتیب سال وفات فقیهان آن قرن تنظیم شده است و در فهرست سوم اسامی فقهایی آمده است که محققان کتاب نتوانسته‌اند سال وفات آنها را به دست آورند.

در این دائرةالمعارف ذیل نام هر یک از فقهاء به ارائه اطلاعاتی همچون سال تولد و وفات، راویان و مشایخ آنها و نیز تألیفاتشان پرداخته می‌شود و در مواردی که فقیه شیعی در سلسله اسناد روایات ائمه اهل بیت علیهم السلام واقع شده باشد، به ذکر تعداد آن موارد می‌پردازد. و در مواردی شیخ طوسی(ره) در کتاب «الخلاف» خود به نقل فتاوی فقهایی اهل سنت اقدام نموده باشد، ذیل نام آنها به تعداد آنها اشاره می‌نماید.

یکی از امتیازات مهم این کتاب آن است که ذیل نام هر فرد، مصادر شرح حال او را دقیقاً ذکر نموده است.

همچنین ذکر فقهایی همه مذاهب فقهی شیعه و اهل سنت از دیگر

- ۱۷- التذیبه ص ۱۰۱.
- ۱۸- رک به: ابن معتر، عبدالله، طبقات الشعراء، تحقیق عبدالستار احمد فراج، مصر، دارالمعارف.
- ۱۹- التذیبه ص ۱۸۲.
- ۲۰- همو، ص ۸۸.
- ۲۱- همو، ص ۲۰۵.
- ۲۲- عبدالغنی حسن، محمد ص ۵۶.
- ۲۳- همو، ص ۵۷.
- ۲۴- سجادی، سیدصادق و عالمزاده هادی، تاریخنگاری در اسلام، چاپ اول، تهران، انتشارات سمت ۱۳۷۵، ص ۶۴.
- ۲۵- عبدالغنی حسن، ص ۵۷.
- ۲۶- سجادی و عالمزاده ص ۷۱.
- ۲۷- ضیاءالعمری، اکرم، بحوث فی تاریخ السنة المشرفة ص ۷۶ و ۷۷؛ زهرانی، علم الرجال نشأت و تطوره ص ۶۶ و ۶۷.
- ۲۸- بردیجی، ابوبکر احمد بن هارون، کتاب فیہ طبقات الاسماء المفردة من الصحابة والتابعین و اصحاب الحديث تحقیق سکیته الشهبلی، چاپ اول، بی جا، بی تا، ۱۹۸۷ م ص ۱۴، مقدمه محقق.
- ۲۹- ضیاءالعمری، ص ۸۲، البته همچنانکه نویسنده متذکر شده است آنچه هجرتون در دسترس ما می باشد کتاب «المنتخب من ذیل المنذیل من تاریخ الصحابة و التابعین» می باشد که احتمال دستکاری های منتخب در آن می رود.
- ۳۰- حرانی، ابی عروبة حسین بن محمد المنتقی من کتاب الطبقات، تحقیق ابراهیم صالح چاپ اول، دارالبیروت، ۱۹۹۴ م.
- ۳۱- ضیاءالعمری، ص ۸۲.
- ۳۲- ابن حبان بستی، محمد، کتاب مشاهیر علماءالمصار، تحقیق، م. فلاطشهر، بیروت دارالکتب العلمیه مقدمه محقق.
- ۳۳- ضیاءالعمری، ص ۷۷.
- ۳۴- ابن میرد، یوسف بن حسن حنبلی، الجوهر المنضد فی طبقات متأخری اصحاب احمد تحقیق عبدالرحمن بن سلیمان عثیمین، چاپ اول، مصر، مطبعة المنلی، ۱۴۰۷ ق، ص ۳۷، مقدمه محقق.
- ۳۵- عبدالغنی حسن، ص ۵۶.
- ۳۶- التذیبه ص ۱۸۷.
- ۳۷- زبیدی، ابوبکر محمدبن حسن، طبقات النحویین و اللغویین، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، چاپ اول، مصر، محمد سامی امین الختاجی الکتبی، ۱۳۲۲ ق، ص ۱ مقدمه محقق.
- ۳۸- برای اطلاع بیشتر مراجعه شود به: ابن جلجل، طبقات الاطباء والحکماء ترجمه و تعلیقات سیدمحمدکاظم امام، بی جا، بی تا، ۱۳۳۹، ص ۲ پیشگفتار مترجم.
- ۳۹- ابن ابی اسیمیه عیون الانباء فی طبقات الاطباء، تحقیق نزار رضه بیروت مکتبه دارالحیة ص ۶ و ۷، مقدمه محقق.
- ۴۰- حاجی خلیفه، کشف الظنون، عن اسامی الکتب والفنون، بیروت دارالفکر، ۱۴۰۲ ق، ج ۴، ص ۷۸.
- ۴۱- ضیاءالعمری، ص ۱۸۲ به نقل از تاریخ نیشابور، ص ۱۷۵.
- ۴۲- همو، ص ۷۷.
- ۴۳- همان.
- ۴۴- ابن میرد ص ۴۵، مقدمه محقق.
- ۴۵- آئینه وند، صلیق، علم تاریخ در گستره تمدن اسلامی، چاپ اول، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۷۷، ص ۱۷۷.
- ۴۶- ابواسحاق شیرازی، طبقات الفقهاء، تصحیح خلیل المیس، بیروت، دارالقلم، ص ۵۳.
- ۴۷- همو، ص ۸۷.
- ۴۸- همو، ص ۱۰۸.
- ۴۹- التذیبه ص ۴۲۲.
- ۵۰- حاجی خلیفه ج ۴، ص ۷۹.
- ۵۱- عبدالغنی حسن، ص ۵۰.
- ۵۲- همو، ص ۵۶.
- ۵۳- یونیم اصفهانی، احمدبن عبدالله حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیاء، تحقیق محمد امین ختاجی، چاپ پنجم، بیروت، دارالکتب العربی، ۱۴۰۷ ق، برای اطلاع بیشتر مراجعه شود به مقدمه محقق کتاب.
- ۵۴- عبدالغنی حسن، ص ۵۷.
- ۵۵- خواجه عبدالله انصاری، طبقات الصوفیه، تحقیق محمد سرور مولایی، تهران، انتشارات توس، ۱۳۶۲. ص صد و هشتاد و یک مقدمه محقق.
- ۵۶- قاضی عبدالجبار، فرق و طبقات الممتزله تحقیق علی سامی النشار و عصام الدین محمدعلی، بی جا، بی تا مقدمه محققان.
- ۵۷- آئینه وند، ص ۱۷۷.
- ۵۸- ابن میرد، ص ۳۸، مقدمه محقق.
- ۵۹- ابن کتاب توسط انتشارات دارالمعرفه بیروت در ۲ جلد به چاپ رسیده است که جلد اول به راویان از احمد حنبل و جلد دوم به دیگر طبقات اختصاص دارد.
- ۶۰- عبدالغنی حسن می گوید: گویا این کتاب همراه با سایر میراثهای اسلامی از بین رفته است (ص ۴۹). اما خوشبختانه اخیراً این کتاب در ۲ جلد توسط دارمکتبه الحیة به چاپ رسیده است که جلد سوم تماماً معجم اعلام است که استفاده از آن را بسیار آسان می نماید. برای اطلاع بیشتر از قاضی عیاض و کتاب او مراجعه شود به: بشیر علی حمدالتراوی، القاضی عیاض وجهوده فی علمی الحديث روایة و درایة، چاپ اول، بیروت، مدار ابن حزم، ۱۴۱۸ ق.
- ۶۱- انباری، ابوالبرکات، نزهة الالیاء فی طبقات الادباء، تحقیق ابراهیم سامرانی، بندا، مکتبه الاندلس.
- ۶۲- حاجی خلیفه ج ۴، ص ۸۰.
- ۶۳- عبدالغنی حسن، ص ۵۷.
- ۶۴- جماعلی مقدسی، محمدبن احمدبن عبدالغنی طبقات علماءالحديث تحقیق اکرم البوشی، بیروت، مؤسسة الرسالة.
- ۶۵- ابن کتاب با دو تفحیح آن به صورت الفبایی و با مقدم انداختن اسامی محمد و احمد با مشخصات زیر به چاپ رسیده است:
- ابی صلاح تقی الدین ابوعمر و عثمان بن عبدالرحمن شهرزوری، طبقات الفقهاء الشافعیه هذبه و رتبه استنکرک علیه امام محیی الدین ابوزکریا یحیی بن شرف النووی، بیض اصوله و نفعه امام ابوالحجاج یوسف بن عبدالرحمن مزی، تحقیق محیی الدین علی نجیب چاپ اول، دارالبیروت الاسلامیه، ۱۴۱۳ ق. و نیز کتاب نووی با عنوان «مختصر طبقات الفقهاء» و با تحقیق علل عبدالوجود و علی معوض برای اولین بار در سال ۱۴۱۶ ق توسط «مؤسسه الکتب الثقافیه» به صورت مستقل چاپ شد.
- ۶۶- آئینه وند، ص ۱۷۰.
- ۶۷- حاجی خلیفه ج ۴، ص ۸۰.
- ۶۸- عبدالغنی حسن، ص ۴۷ و ۴۸؛ سلبی، رؤوفه السنة الاسلامیه بین اثبات الفاهمین و رفض الجاهلین، چاپ چهارم، قطر، دارالقلم، ۱۴۰۲ ق، ص ۳۲۰.
- ۶۹- صدر کاظمی عاملی، ص ۲۶.
- ۷۰- ذهبی، شمس الدین، سیر اعلام النبلاء، تحقیق محب الدین ابی سعید عمر و بن غرامه عمروی، چاپ اول، بیروت ۱۴۱۷ ق، مقدمه محقق. (۱۷ جلد) در چاپ دیگر این کتاب (۱۴ جلد) که توسط حسین اسد تحقیق شده و آن را مؤسسه الرساله به چاپ رسانیده است محقق کتاب معتقد است که تمداد طبقات در نظر ذهبی ۴۰ طبقه است نه ۳۵ طبقه.
- ۷۱- عبدالغنی حسن (ص ۵۲) از این کتاب با عنوان «طبقات الحفاظ» نام برده است.
- ۷۲- ابن سه ذیل با عنوان زیر چاپ شده اند:

۹۲ - احمد بن یحیی بن المرتضی، طبقات الممتزله، تحقیق سوسنه و یقشد قلرز، بیروت، منشورات مکتبه دارالحیاه.

۹۳ - سراج‌الدین ابو حفص عمر بن علی بن احمد مصری، طبقات الاولیاء، تحقیق نورالدین شریه، چاپ دوم، دارالمعرفه ۱۴۰۶ ق.

۹۴ - عبدالغنی حسن، ص ۴۸.

۹۵ - ابن قطلوبغا، تاج التراجم فی طبقات الحنفیه، بنیاد مکتبه المثنی، ۱۹۶۲ م، (بنون مقدمه و تحقیق)

۹۶ - حاجی خلیفه، ج ۴، ص ۷۸.

۹۷ - عبدالغنی حسن، ص ۴۸.

۹۸ - حاجی خلیفه، ج ۴، ص ۷۹.

۹۹ - همو، ص ۷۸.

۱۰۰ - همو، ص ۸۰.

۱۰۱ - سیوطی، عبدالرحمن، بنیه الوعده فی طبقات اللغویین و النحاة تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، چاپ دوم، بیروت، دارالفکر، ۱۳۹۹ ق، ص ۸، مقدمه محقق.

۱۰۲ - عبدالغنی حسن، ص ۵۰.

۱۰۳ - داودی، شمس‌الدین محمد، طبقات المفسرین، بیروت، دارالکتب العلمیه.

۱۰۴ - شعرانی، عبدالوهاب بن احمد، الطبقات الکبری المسماه بلواقح الانوار فی طبقات الاخیار، مصر، المطبعه العامه الشرقیه، ۱۳۱۵ ق (۴ جلد).

۱۰۵ - ابن میرد، یوسف بن حسن، الجوهر المنضد فی طبقات متاخری اصحاب احمد تحقیق و مقدمه عبدالرحمن بن سلیمان المیمن، چاپ اول، مصر، مطبعه المثنی، ۱۴۰۷ ق، ص ۸۳ و ۸۴ مقدمه محقق. این کتاب حاوی مقدمه‌ای مفید در معرفی کتب طبقات نگاری مذاهب مختلف فقهی می‌باشد که توسط محقق کتاب در حدود صد صفحه نگاشته شده است.

۱۰۶ - عبدالغنی حسن، ص ۴۸.

۱۰۷ - حاجی خلیفه، ج ۴، ص ۷۸.

۱۰۸ - سجادی و عالم‌زاده، ص ۱۰۵ و ۱۰۶.

۱۰۹ - عبدالغنی حسن، ص ۴۹.

۱۱۰ - حاجی خلیفه، ج ۴، ص ۷۸.

۱۱۱ - البته جمال‌الدین کمال یوسف الحوت در مقدمه کتاب طبقات الشافعیه اسنوی در ص ۴ و ۵ به ذکر ۲۶ کتاب در طبقات نگاری شافعیان می‌پردازد که بخشی از آنها مربوط به قرن دوازده و سیزده است. همچنین عبدالرحمن بن سلیمان عیثمی، در مقدمه کتاب «الجوهر المنضد فی طبقات متاخری اصحاب احمد» از ص ۴۸ تا ص ۷۷ به بررسی ۲۱ کتاب در طبقات الحنبلیه تا زمان معاصر می‌پردازد که به جهت عدم اهمیت از آنها گذشتیم.

۱۱۲ - مرانی، عبدا... مصطفی، الفتح المبین فی طبقات الاصولیین، چاپ سوم، بیروت محمدامین دمج و شرکاوه، ۱۳۹۴ ق، ص ۱۰.

۱۱۳ - عزالدین السیروان، عبدالعزیز، معجم الطبقات الحفظ و المفسرین مع دراسة عن الامام السیوطی و مؤلفاته، چاپ اول، بیروت، عالم الکتبه، ۱۴۰۴ ق.

۱۱۴ - ابن شطی فواز الزمرلی، محمد جمیل بن عمر بغدادی، مختصر طبقات الحنبلیه، چاپ اول، دارالکتب العربی، ۱۴۰۶ ق.

۱۱۵ - ابوزید بکر، طبقات النسائین، چاپ اول، ریاض، دارالرشد، ۱۴۰۷ ق.

۱۱۶ - هیتو، محمدحسن، الاجتهاد و طبقات مجتهدی الشافعیه، چاپ اول، بیروت مؤسسه الرساله، ۱۴۰۹ ق.

۱۱۷ - همو، ص ۴۰.

۱۱۸ - همو، ص ۹.

۱۱۹ - منظور از طبقات نگاری شیعه نوشته‌هایی است که نویسندگان آنها دارای مذهب تشیع باشند گرچه شخصیت‌های مورد بحث در کتب آنها همگی شیعه نباشند. در اینجا نیز همانند بخش گذشته به ذکر کتبی پرداخته می‌شود که یا عنوان طبقات را داشته باشند و یا اینکه محتوای آنها بر اصول طبقات نگاری استوار باشد.

ذیل تذکره الحفظ للذهبی، تلمیذ ابوالحسن الحسینی دمشقی و یلیه لحظ الاحفاظ بذیل طبقات الحفظ للحافظ تقی‌الدین محمد بن فهد مکی و یتلوه ذیل طبقات الحفظ للذهبی، جلال‌الدین سیوطی، تحقیق حسام‌الدین قدسی، بیروت، دارالکتب العلمیه. همچنین کتاب سیوطی با عنوان طبقات الحفظ توسط دارالکتب العلمیه بیروت به چاپ رسیده است که دارای مقدمه‌ای سودمند درباره کتاب می‌باشد. (چاپ دوم، ۱۴۱۴ ق، ص ۴ به بعد.)

۷۳ - ذهبی، شمس‌الدین، المبین فی طبقات المحدثین، تحقیق محمد زینهم محمد عزب، چاپ اول، دارالصحوه للنشر، ۱۴۰۷ ق.

۷۴ - ذهبی، شمس‌الدین، معرفه القراء الکبار، علی الطبقات و الاعصار (ویلیه ما اغفله الذهبی لابن مکتوم)، تحقیق محمد سعید جادالحق، چاپ اول، دارالکتب الحدیثه، بی‌تا.

۷۵ - دمشقی صالی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن عبدالهادی، طبقات علماء الحدیثه تحقیق اکرم البوشی و ابراهیم الزبیک، چاپ دوم، بیروت، مؤسسه الرساله، ۱۴۱۷ ق.

۷۶ - سسکی کنده، ابوعبدالله جهادالدین محمد بن یوسف بن یعقوب جندی، السلوک فی طبقات العلماء و الملوكه تحقیق محمد بن علی بن حسین اکرم الحرائی، چاپ اول، صنعاء، ۱۴۱۴ ق.

۷۷ - حاجی خلیفه، ج ۴، ص ۷۹.

۷۸ - سبکی، تاج‌الدین ابی نصر عبدالوهاب بن علی، طبقات الشافعیه الکبری، تحقیق محمود محمد الطنجانی و عبدالفتاح محمد الحلو، مصر، دار احیاء الکتب العربیه (۱۰ جلد).

۷۹ - اسنوی، عبدالرحیم، طبقات الشافعیه، تحقیق جمال‌الدین کمال یوسف الحوت، چاپ اول، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۷ ق.

۸۰ - ابن کثیر دمشقی، طبقات الفقهاء الشافعیین، تحقیق احمد هاشم و محمد زینهم غزب، مکتبه الثقافه الدینیة، ۱۴۱۳ ق، (۲ جلد)

۸۱ - ابن ابی الوفاء القرشی، محی‌الدین ابومحمد عبدالقادر بن محمد بن محمد بن نصرالله الجواهر المصنیة فی طبقات الحنفیه، تحقیق عبدالفتاح محمد الحلو، بی‌تا، ۱۳۹۶ ق.

۸۲ - ابن رجب زین‌الدین ابی الفرج عبدالرحمن بن احمد دمشقی حنبلی، کتاب الذیل علی طبقات الحنبلیه، تحقیق محمد حامد الفقی، ۱۳۷۲ ق، مطبعه السنه المجلدیة بی‌تا.

۸۳ - عبدالغنی حسن (ص ۵۱) در معرفی این کتاب دچار دو اشتباه شده است اول آنکه نام این کتاب را طبقات المحدثین ذکر می‌کند و دوم آنکه محتوای آن را درباره شرح حال محدثان از زمان پیامبر اکرم (ص) تا اوایل قرن نهم می‌داند در حالی که این کتاب مخصوص طبقات شافعیه است.

۸۴ - ابن ملقن، سراج‌الدین ابوحفص عمر بن علی بن احمد اندلسی التکروری الشافعی، العقد المنخب فی طبقات حملة المذهب تحقیق ایمن نصر زهری و سید مهنی، چاپ اول، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۷ ق، ص ۱۷.

۸۵ - از ویژگی‌های چاپ این کتاب تنظیم فهرست‌های الفبایی جداگانه برای اسامی، کتبه‌ها، انساب و القاب می‌باشد.

۸۶ - برای اطلاع بیشتر از این روش و قواید و نقایص آن مراجعه شود به: سالم تیمه اسمد علم طبقات المحدثین، ص ۲۰۱-۲۱۸.

۸۷ - تدلیس در اسناد کتب درایه چنین تعریف شده است: هوان یروی عن لقیه او عاصره ما لم یسمعه علی وجه یوهم انه سمعه منه. «(شهید ثانی، الرعاية ص ۱۴۳) برای اطلاع کامل از تدلیس و اقسام آن مراجعه شود به: دمینی، مسفرین عزم الله التدلیس فی الحدیثه، چاپ اول، ریاض، مؤلفه ۱۴۱۲ ق.

۸۸ - ابن حجر عسقلانی، ابوالفضل احمد بن علی بن محمد طبقات المدلسین المسمی تعریف اهل التقدیس بمراتب الموصوفین بالتدلیس، بی‌تا، بی‌تا، (۲۴ صفحه)

۸۹ - ابن جزری، شمس‌الدین ابی الخیر محمد بن محمد الذین علی طبقات القراء، چاپ سوم، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۲ ق.

۹۰ - حاجی خلیفه، ج ۴، ص ۷۹.

۹۱ - ابن قاضی شهیه اسدی شافعی، تقی‌الدین، طبقات النحاة و اللغویین، تحقیق محسن غیاص، نجف اشرف، مطبعه النعمان، ۱۹۷۳ م، ص ۱۲، مقدمه محقق.

- ۱۲۰- النديم، ص ۱۶۴؛ او می گوید: (واقدي) شيعة نيكوكاري بود که جانب تقيه را از دست نمی داد...
 ۱۲۱- صدر، سيدحسن، تأسيس الشيعة لعلوم الاسلام، بيروت، دارالرائد العربي، ۱۴۰۱ ق، ص ۲۴۲.
 ۱۲۲- النديم، ص ۱۶۷.
 ۱۲۳- ابن ابی الحديد شرح نهج البلاغه، تحقيق محمد ابوالفضل ابراهيم، چاپ دوم، مصر، داراحياء الكتب العربية، ۱۳۸۵ ق، ج ۲، ص ۲۸ و ۲۹.
 ۱۲۴- النديم، ص ۲۶۸.
 ۱۲۵- طهرانی، آغا بزرگ، الذريعة الى تصانيف الشيعة، چاپ دوم، بيروت، دارالاضواء، ج ۱۵، ص ۱۵۰.
 ۱۲۶- درالديم (ص ۴۰۵) اين کتاب به نام محمدبن خالد يعني پدر احمد ثبت شده است. در حالی که در کتب کتابشناسی شيعة مانند رجال النجاشي در ذيل نام محمد بن خالد (ص ۳۳۵) به نام جنين کتابی برخورد نمی کنیم.
 ۱۲۷- نجاشي، ابوالعباس احمدبن علی، رجال النجاشي، تحقيق سيدموسی شيرازي، چاپ ششم، قم، انتشارات جامعه مدرسين، ۱۴۱۸ ق، ص ۷۶.
 ۱۲۸- طهرانی، ج ۱۵، ص ۱۴۵ و ۱۴۶ و ۱۴۸ و نیز مراجعه شود به رجال البرقي شيخ ابوجعفر احمدبن محمد بن خالد برقي، و تحقيق جواد قيومي اصفهانی، چاپ اول، قم، مؤسسه التیوم، ۱۴۱۹ ق، ص ۱۹-۲۱ مقدمه محقق.
 ۱۲۹- نجاشي، ص ۴۰۴، طهرانی، ۱۵۱.
 ۱۳۰- طهرانی، ج ۱۵، ص ۱۵۱.
 ۱۳۱- همو، ص ۱۴۵.
 ۱۳۲- نجاشي، ص ۳۹۵، صدر، سيدحسن، ص ۲۶۳.
 ۱۳۳- نجاشي، ص ۲۴۳، طهرانی، ج ۱۵، ص ۱۵۱.
 ۱۳۴- طوسی، ابوجعفر محمدبن حسن، رجال الطوسي، تحقيق جواد قيومي اصفهانی، چاپ اول، قم، انتشارات جامعه مدرسين، ۱۴۱۵ ق، از امتيازات اين چاپ وجود چهار فهرست در يابان کتاب يا عناوين: ۱- فهرس الرجال الواردة في الكتاب ۲- فهرس الثقات و الضعاف ۳- فهرس المنسوبين الى المذاهب الفاسدة ۴- فهرس المجاهيل می باشد.
 ۱۳۵- طهرانی، ج ۱۵، ص ۱۵۱
 ۱۳۶- همو، ص ۱۵۲.
 ۱۳۷- همو، ص ۱۵۳.
 ۱۳۸- همو، ص ۱۵۱.
 ۱۳۹- همو، ص ۱۴۷.
 ۱۴۰- اين بازسازی که با استفاده از نقل قول های کتب تاريخ اسلام اهل سنت همانند تاريخ الاسلام نجيب و کتب تراجم و رجال آنها همانند الوافي بالوفيات و لسان الميزان انجام گرفته به صورت القباي بوده و دارای مشخصات زیر می باشد:
 ابن ابی طی حلي، يحيى بن حميد بن ظافر الطائي، النحاوي في رجال الشيعة الامامية بازسازی و تدوين رسول جعفريان، چاپ اول، قم، كتابخانه تخصصی تاريخ اسلام و ايران، ۱۳۶۹.
 - ابن ابی الوفاء القرشي، محي الدين ابومحمد عبدالقادر بن محمد الجواهر المضينة في طبقات الحنفية تحقيق عبدالفتاح محمد الحلوه، بی جا، بی نا، ۱۳۹۶ ق.
 - ابن جزري، شمس الدين ابوالنخیر محمدبن محمد الذيل علی طبقات القراء، چاپ سوم، بيروت، دارالکتب العلميه، ۱۴۰۲ ق.
 - ابن جلجل، سليمان بن حسان اندلسي، طبقات الاطباء و الحكماء، ترجمه و تعليقات سيد محمد کاظم امام، بی جا، بی نا، ۱۳۴۹.
 - ابن جوزي قرشي، ابوالفرج عبدالرحمن بن علی، کتاب الموضوعات، تحقيق عبدالرحمن محمد عثمان، چاپ دوم، بيروت، دارالفکر، ۱۴۰۳ ق.
 - ابن جبان بستي، محمد کتاب مشاهير علماء الامصار، تحقيق م. فلايشهر، بيروت، دارالکتب العلميه.
 - ابن حجر عسقلاني، شهاب الدين احمدبن علی، تقريب التهذيب تحقيق محمد عوامه، چاپ چهارم، حلبه دارالرشيد، ۱۴۱۲ ق.
 - طبقات المدلسين المسمى تعريف اهل التقديس بمراتب الموصوفين بالتدليس،

بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا.

- منشورات مكتبة دارالحياة.
- اردبیلی غزوی حائری، محمدبن علی، جامع الرواة و اذاعة الاشتباهات عن الطرق و الاسناد، قم، كتابخانه آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی، ۱۴۰۲ ق.
- اسنوی، عبدالرحیم، طبقات الشافعیة تحقیق جمال‌الدین کمال یوسف الحوت، چاپ اول، بیروت، دارالکتب العلمیة، ۱۴۰۷ ق.
- امام خمینی، سید روح‌الله موسوی، الرسائل، تزییلات مجتبی طهرانی، قم، مؤسسه اسماعیلیان، ۱۳۸۵ ق.
- ، کتاب الطهارة تصحیح علی‌اکبر مسعودی، قم، چاپخانه مهر.
- انباری، ابوالبرکات عبدالرحمن بن محمدبن ابی سعید، نزهة الایاء فی طبقات الادباء، تحقیق ابراهیم سامرایی، بغداد، مكتبة الاندلس.
- بخاری، ابوعبدالله... محمدبن اسماعیل، صحیح البخاری، تحقیق مصطفی دیب البنا، چاپ پنجم، بیروت و دمشق، دار ابن کثیر و الیماة، ۱۴۱۴ ق.
- بردیجی، ابوبکر احمدبن هارون، کتاب فیہ طبقات الاسماء المفردة من الصحابة و التابعین و اصحاب الحدیث، تحقیق سکیته - الشهابی، چاپ اول، بی‌نا، بی‌جا، ۱۹۸۷ م.
- برقی ابوجعفر احمدبن محمدبن خالد رجال البرقی، تحقیق جواد قیومی اصفهانی، چاپ اول، قم، مؤسسه التیوم، ۱۳۱۹ ق.
- بروجردی، سید محمدحسین، ترتیب اسانید الکافی، مقدمه محمد واعظ زاده خراسانی، چاپ اول، مشهد، بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی.
- تجلیل تبریزی، ابوطالبه معجم الثقات و ترتیب الطبقات، قم، سید حسین موسوی.
- جلیلی بروجردی، سید علی اصغر بن سید محمد شفیق، طوائف المقال فی معرفة طبقات الرجال، تحقیق سید مهدی رجایی، چاپ اول، قم، کتابخانه آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی، ۱۳۱۰ ق.
- جماعلی مقدسی، محمدبن احمدبن عبدالقنی، طبقات علماء الحدیث، تحقیق اکرم البوشی، بیروت، مؤسسة الرسالة.
- جواهری، محمدالمفید من معجم رجال الحدیث، چاپ اول، قم، مكتبة المحلانی، ۱۴۱۷ ق.
- حاجی خلیفه، کشف الظنون عن اسامی الکتب و الفنون، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۲ ق.
- حاکم نیشابوری، ابوعبدالله محمدبن عبدالله، معرفة علوم الحدیث، چاپ چهارم، بیروت، لجنة احیاء التراث العربی فی دار الافاق الجندیة، ۱۴۰۰ ق.
- حرانی، ابورویة حسین بن محمد المنتقی، من کتاب الطبقات تحقیق ابراهیم صالح، چاپ اول، دارالبشار، ۱۹۹۴ م.
- حسینی بندگان، سید محمد جواد المعین علی معجم رجال الحدیث، چاپ اول، مشهد، مجمع البحوث الاسلامیة، ۱۳۷۴.
- حسینی جلالی، سید محمدرضا، المنهج الرجالی و العمل الرائد فی الموسوعة الرجالیة لسید الطائفة آیت‌الله العظمی البروجردی، چاپ اول، قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه، ۱۳۲۰ ق.
- حشیش، علی بن ابراهیم، المدخل الی علوم الحدیث، مصر، مكتبة الایمان، ۱۴۱۸ ق.
- خواجه عبدالله انصاری، طبقات الصوفیة، تحقیق محمد سرور مولایی، تهران، انتشارات توس، ۱۳۶۲.
- خوئی، سیدابوالقاسم معجم رجال الحدیث و تفصیل طبقات الرواه، چاپ چهارم، قم، مرکز نشر آثار الشیعه، ۱۴۱۰ ق.
- داودی، شمس‌الدین محمد بن طبقات المفسرین، بیروت، دارالکتب العلمیة.
- دمشقی صالی، ابوعبدالله محمدبن احمدبن عبدالهادی، طبقات علماء الحدیث، تحقیق اکرم البوشی و ابراهیم الزبیق، چاپ دوم، بیروت، مؤسسه الرسالة، ۱۴۱۷ ق.
- دمنی، مسفر بن عزم‌الله التلیس فی الحدیث، چاپ اول، ریاض، مؤلفه، ۱۴۱۲ ق.
- ذهبی، شمس‌الدین محمدبن احمدبن عثمان، تاریخ الاسلام و وفیات المشاهیر و الاعلام، تحقیق عبدالسلام تدمری، چاپ اول، بیروت، دارالکتب العربی، ۱۴۰۹ ق.
- ، سیر اعلام النبلاء، تحقیق حسین اسد، چاپ چهارم، بیروت، مؤسسه الرسالة، ۱۴۰۶ ق.
- و تحقیق محب‌الدین ابی سعید عمرو بن غرامه عمروی، چاپ اول، بیروت، ۱۴۱۷ ق.
- ، معرفة القراء الکبار علی الطبقات و الاعصار (ویلیه ما اغفله الذهبی لابن مکتوم)،
- ابن خیاط، ابوعمر و خلیفة کتاب الطبقات، تحقیق سهیل زکار، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۴ ق.
- ابن رجبیه زین‌الدین ابوالفرج عبدالرحمن بن احمد دمشقی حنبلی، کتاب الذیل علی طبقات الحنابلة، تحقیق محمد حامد الفقی، مطبعة السنة المحمدیة، ۱۳۷۲ ق.
- ابن سعد، محمد الطبقات الکبری، تحقیق محمد عبدالقادر عطاء، بیروت، دارالکتب العلمیة.
- ، سلسلة النقص من طبقات ابن سعد، الطبقة - الخامسة من الصحابة، تحقیق محمدبن سامل السلمي، چاپ اول، طایفه مكتبة الصدیق، ۱۴۱۴ ق.
- ، الطبقات الکبری لابن سعد القسم المتمم لتأبیه اهل المدينة و من بعدهم من ربیع الطبقة - الثالثة - الی منتصف الطبقة - السادسة، چاپ دوم، المدينة المنورة، مكتبة العلوم و الحکمة، ۱۴۰۸ ق.
- ابن سلام جمعی، محمد بن طبقات الشعراء، مقدمه جوزف هل ألمانی و طه احمد ابراهیم، چاپ دوم، بیروت، دارالکتب العلمیة، ۱۴۰۸ ق.
- ابن شطی، محمد جمیل بن عمر بغدادی، مختصر طبقات الحنابلة، چاپ اول، دارالکتب العربی، ۱۴۰۶ ق.
- ابن الصلاح، ابوعمر و عثمان بن عبدالرحمن شهرزوری، طبقات الفقهاء الشافعیة، هدیه و رتبه و استدرک علیه امام محیی‌الدین ابوزکریا یحیی بن شرف النووی، بیض اصوله و نقحه امام ابوالحجاج یوسف بن عبدالرحمن مزنی، تحقیق محیی‌الدین علی نجیبیه، چاپ اول، دارالبشائر الاسلامیة، ۱۴۱۳ ق.
- ، مقدمه ابن الصلاح فی علوم الحدیث، چاپ اول، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۸ ق.
- ابن قاضی شهید اسدی شافعی، تقی‌الدین، طبقات النحاة و التوبیین، تحقیق محسن غیاض، نجف، نشرقه مطبعة النعمان، ۱۹۷۳ م.
- ابن قتیبة دینوری، ابومحمد عبدا... بن مسلم، الشعر و الشعراء او طبقات الشعراء، تحقیق مفید قمیحه، چاپ دوم، بی‌نا، ۱۴۰۵ ق.
- ابن قطلوبغا، شیخ ابی الملک زین‌الدین قاسم تاج‌التراجم، فی طبقات الحنفیة، بغداد، مكتبة المثنی، ۱۹۶۲ م.
- ابن کثیر، ابوالفداء، اختصار علوم الحدیث، تحقیق صلاح محمد عویصه، چاپ اول، بیروت، دارالکتب العلمیة، ۱۴۰۱ ق.
- ابن ماجه ابوعبدالله محمدبن زید قزوینی، سنن ابن ماجه، تحقیق محمد فواد عبدالباقی، بیروت، داراحیاء التراث العربی.
- ابن مبرد یوسف بن حسن حنبلی، الجوهر المنتقد فی طبقات متأخری اصحاب احمد، تحقیق عبدالرحمن بی‌سلیمان، عثیمین، چاپ اول، مصر، مطبعة المدنی.
- ابن معتر، عبدالله طبقات الشعراء، تحقیق عبدالستار، احمد فراج، مصر، دارالمعارف.
- ابن ملقن، سراج‌الدین ابوحفص عمر بن علی بن احمد اندلسی تکروری شافعی، المقد المذهب فی طبقات حملة المذهب، تحقیق ایمن نصر ازهری و سید مهنی، چاپ اول، بیروت، دارالکتب العلمیة، ۱۴۱۷ ق.
- ابن منظور، محمدبن مکرم، لسان العرب، تصحیح علی شیری، چاپ اول، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۴۰۸ ق.
- ابواسحاق شیرازی، ابراهیم بن علی بن یوسف، طبقات الفقهاء (ویلیه طبقات الشافعیة لابی یکر بن هدایة‌الله حسینی الملقب بالمصنف المتوفی سنة ۱۰۱۴ ق.)، تحقیق شیخ خلیل المیس، بیروت، دارالقلم.
- ابوزید بکر، طبقات النسائین، چاپ اول، ریاض، دارالرشد، ۱۴۰۷ ق.
- ابوالشیخ الانصاری، ابومحمد عبدا... بن محمدبن جعفر، کتاب طبقات المحدثین باسبهان و الوردین علیها، تحقیق عبدالقادر عبدالقادر حسین هر البلوش، چاپ دوم، بیروت، مؤسسه الرسالة، ۱۴۱۲ ق.
- ابونعیم اصفهانی، احمدبن عبدالله، حلیة الاولیاء و طبقات الاصفیاء، تحقیق محمد امین خانجی، چاپ پنجم، بیروت، دارالکتب العربی، ۱۴۰۷ ق.
- احمد بن یحیی بن المرتضی، طبقات المعتزله، تحقیق سوسنه ویتشلد قلرز، بیروت،

